



چالش کمبود آموزگار در افغانستان:

آموزگاران موقتی «حق الزحمه» تاکنون استخدام نشده‌اند

یک ماه از آغاز سال جدید آموزشی می‌گذرد، دانش‌آموزان به سبب کمبود آموزگار در بیشتر ناحیه‌های شهر کابل، ولسوالی‌ها و ولایات در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند...

صفحه ۳

چین، هژمون بعدی خاورمیانه؟

به‌رغم خروج از افغانستان، برتری نظامی آمریکا در خاورمیانه احتمالاً برای مدتی همچنان بلامنازع باقی می‌ماند، اما قدرت نظامی برای جلوگیری از رشد استراتژیک چین در منطقه کافی نخواهد بود.

صفحه ۵

از زیر سایه جنگ

به دامن هاروارد

دختری مهاجری که از جنگ فرار کرد، چگونه دانشجوی هاروارد شد؟



صفحه ۷

یادداشت روز

آتش طالبان بر خرمن جان شهروندان

براساس گزارش‌های رسمی این روزها تقریباً در کشور جنگ با شدت و حدت تمام ادامه دارد. مثل همیشه غیرنظامیان قربانی اصلی رویکرد جنگ‌طلبانه طالبان است. بر پایه گزارش روز پیش کمیسیون حقوق بشر افغانستان در ظرف تنها شش روز ۳۹ غیرنظامی کشته و ۴۰ غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. انفجارهای کنار جاده‌ای و حملات مسلحانه طالبان عامل اصلی این وضعیت اسفناک است. هیچ‌کسی در امان نیست. کودکان، زنان و مردمی که هیچ نوع دخالتی در خشونت‌ها ندارند، همه قربانی خشونت‌های جاری در افغانستان‌اند. تقریباً شب و روزی نیست که شهروندان افغانستان در جنگ یا در ترورهای هدفمند قربانی ندهند. اگر تلفات نظامیان را هم در نظر بگیریم، سطح بی‌پیشینه خشونت‌های جاری در افغانستان ناامیدکننده و نگران‌کننده است. گزارش دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان نیز می‌رساند که در سه ماه نخست سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال گذشته میلادی تلفات غیرنظامیان ۲۹ درصد افزایش یافته است...

۲



غنی:

طالبان یک میلیارد دالر به زیربنای افغانستان صدمه رسانده‌اند

۲

«کوچی‌ها و طالبان» حدود ۲۰۰ رأس مواشی ساکنان «حصه دوم بهسود» میدان وردک را با خود بردند

اطلاعات روز: منابع محلی و مردمی در ولایت میدان وردک می‌گویند که افراد مسلح حدود ۲۰۰ رأس مواشی ساکنان ولسوالی حصه دوم...

۲

بیش از ۱۳ میلیون نفر در افغانستان با کمبود مواد غذایی مواجه‌اند



۲

تحلیل ۴

بازدارنده‌های صلح و سناریوی احتمالی جنگ

است. پروسه صلح پس از طی نمودن یک مسیر طولانی و ناهموار، تا برگزاری نشست مهم استانبول رسیده و انتظار می‌رود که طرف‌های درگیر، از این فرصت به راحتی نگذرند. ضمن این‌که جنگ کماکان یک گزینه جدی است. پس از آن‌که جو بایدن و ناتو از پایان مأموریت نیروهایشان در افغانستان خبر دادند...

تحلیل ۴



اسرائیل در منطقه به دنبال چیست؟

مدتی است که اخباری از اقدامات خرابکارانه‌ی اسرائیل در حمله به اهداف ایران در منطقه مخابره می‌گردد. آخرین مورد آن انفجار در مرکز غنی‌سازی یورانیوم در نطنز ایران بود که موجب خسارت‌های جدی‌ای به این مرکز شد. اگرچه اسرائیل این حمله را رسماً به عهده...

۳

ترجمه

پایان کار بایدن با افغانستان؛ آیا کار افغانستان نیز با امریکا پایان یافته است؟ بیرون کشیدن همه نیروهای امریکایی، برنامه‌ی خطرناک دولت برای تحت فشار قراردادن کابل و طالبان، برای ایجاد صلح است.

اعلامیه جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در بعدازظهر روز چهارشنبه [هفته‌ی گذشته] مبنی بر این‌که همه سربازان امریکایی تا سپتامبر از افغانستان خارج خواهند شد، بیان‌گر این است که سرانجام، از چشم‌انداز سنگین کشور، برای امریکا [در افغانستان] هیچ‌گونه پیروزی محتمل نیست. بایدن در سخنرانی خود گفت که چهار رئیس‌جمهور امریکا با افغانستان کشمکش کرده‌اند - و او مشکل را به پنجمی نمی‌رساند. بایدن گفت: «ما نمی‌توانیم به چرخه‌ی تمدید یا گسترش حضور نظامی خود در افغانستان...»

خانه موفقیت

The TOEFL HOUSE

Unlock the World with TOEFL

0747 994 244
0745 651 844
0747 918 200

شعبه (کوه سنگی): کوه سنگی، گولابی دوخلافه، ایستگاه سابقه.
شعبه (برچی): برچی، ایستگاه مغازه، کوچه اول باغ خان.
شعبه (سلیم کلون): سرکه چهل متره، چهارراهی سلیم کلون.

toeflhouse@gmail.com TOEFL House

ادامهبادداشتروز

تنها در سه ماه ۵۷۲ غیرنظامی کشته و یک‌هزار و ۲۱۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. این وضعیت نشان می‌دهد که از زمان آغاز مذاکرات صلح میان طالبان و دولت نه‌تنها هیچ‌گونه کاهشی در خشونت‌ها رخ نداده که این گراف پیوسته سیر صعودی داشته است. و براساس ارزیابی‌های رسمی نهادهای ناظر، افغانستان یکی از مرگ‌بارترین کشورهای برای غیرنظامیان است و کشور را جنگ و خشونت فرا گرفته است. حتا در ماه رمضان نیز طالبان حاضر نیست اندکی از سطح خشونت‌ها بکاهند. درحالی‌که به‌شمول حکومت افغانستان همه خواهان خویشتن‌داری طالبان و آتش‌بس در این ماه شده‌اند که برای مسلمانان مقدس است. از نظر اسلام که طالبان مدعی سرسخت آن است، این ماه فرصت برای عبادت و ندامت از گناهان است؛ چه گناهی بزرگ‌تر از کشتن یک انسان.

شرایط این روزها برای شهروندان وضعیت جهنمی است. فقط کافی است که به وضعیت آوارگان جنگ نگاه کنیم. آخرین نمونه‌ی آن آواره‌شدن صدها خانواده از روستاهای آرام ولسوالی قره‌باغ غزنی به مرکز این شهر است؛ مردمی که در ماه رمضان در پی جنگ‌طلبی طالبان از خشونت فرار کرده و روزهای رقت‌انگیزی را پشت سر می‌گذارند. اردوگاه بیجاشدگان داخلی در هرات، کابل، قندهار و ولایت‌های دیگر، پر است از شهروندانی که جنگ آن‌ها را به خاک سیاه نشانده است. مسئول اصلی این وضعیت در افغانستان طالبان است. آخرین ارزیابی نهادهای ناظر گویای این واقعیت است که گروه طالبان عامل بیشترین تلفات غیرنظامیان و مسبب آوارگی شهروندان است. رویکرد جنگ‌طلبانه‌ی طالبان فقط یک دلیل اصلی دارد؛ استفاده از رنج و کشتار مردم به مثابه‌ی ابزار سیاسی. گروه طالبان برای موفق برتر در مذاکرات صلح و برای زیر فشار قراردادن حکومت افغانستان دست به جنگ و کشتار غیرنظامیان می‌زند و آتش طالبان بر خرمن جان شهروندان نشانه‌ی آشکار برای باج‌گیری سیاسی از راه جنگ است.

سرنوشت نشست استانبول مبهم است. امکان دارد دامن خشونت‌ها بزرگ‌تر شود. بنابراین، جامعه جهانی نباید در برابر این حجم بزرگ از تلفات و خسارات مالی و جانی غیرنظامیان بی‌تفاوتی اختیار کند. فوریت اصلی در حال حاضر این است که همه‌ی طرف‌ها، البته بیشتر طالبان و ادار به کاهش خشونت و متعهد به رعایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی شوند. اگر برای جامعه بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری مسأله «حقوق بشر دوستانه» یک اصل است و به آن تعهدی وجود دارد، برای اجرای آن باید از هر اهرم فشاری کار گرفته شود. خشونت‌های که این روزها در افغانستان اتفاق می‌افتد، نقض آشکار شرایط جنگی و عبور از چارچوب قوانین بین‌المللی جنگ است.

طرف دیگر طالبان است. این گروه روزی در برابر بازماندگان قربانیان این جنگ‌ها پاسخ‌گو خواهند بود. به گفته‌ی معروف اجرای عدالت دیر یا زود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. ادامه‌ی این سیاست نه‌تنها کارنامه سیاه طالبان را طولانی‌تر می‌کند که تمام تلاش‌های صلح‌طلبانه را مخدوش و از مسیر درست آن منحرف می‌کند. بنابراین، عقلانیت سیاسی حکم می‌کند که سناریوی باج‌گیری سیاسی از راه جنگ کنار گذاشته شود.



اطلاعات روز: رییس‌جمهور اشرف غنی می‌گوید که گروه طالبان به ارزش یک میلیارد دالر امریکایی به زیربناهای افغانستان صدمه رسانده است.

آقای غنی که دیروز (سه‌شنبه، ۳۱ حمل) در نشست «هفته‌ی حکومتداری و منابع بشری» در ارگ ریاست‌جمهوری صحبت می‌کرد، گفت: «فراموش نکنیم که یک میلیارد دالر حرکات طالبان به زیربناهای افغانستان صدمه رسانده است. من به آنان می‌گویم که چرا خراب می‌کنید؟ اگر توانایی ساختن ندارید و برنامه‌ی مثبت ندارید، حداقل از تخریب و ویرانی جلوگیری کنید.» در همین حال، او از گروه طالبان خواست که

به‌جای انفجار ماین‌ها و اقدام‌های مخربانه، «گل» و «گندم» بکارند و در درآبادی کشور سهم بگیرند. رییس‌جمهور غنی در خطاب به این گروه گفت هر پروژه‌ی عام‌المنفعه را که طالبان تخریب می‌کنند، مردم افغانستان متضرر می‌شوند. از سویی هم، او در بخشی از صحبت‌هایش با اشاره به خروج نیروهای خارجی از افغانستان گفت که با خروج این نیروها، فصل نو همکاری‌ها میان افغانستان و جامعه‌ی جهانی آغاز می‌شود.

به گفته‌ی اشرف غنی، مناسبات اقتصادی، تقویه‌ی نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان، کمک‌های بشری و توسعه‌ی افغانستان در رأس این فصل همکاری‌ها میان جامعه‌ی

جهانی و افغانستان قرار دارد. این درحالی است که چهارشنبه شب هفته‌ی گذشته (۲۵ حمل)، جو بایدن، رییس‌جمهوری امریکا رسماً زمان خروج نظامیانش از افغانستان را اعلام کرد. آقای بایدن گفته بود که تمامی نظامیانش را تا ۱۱ سپتامبر، بیستمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، از افغانستان خارج می‌کند. هم‌زمان با این، ناتو نیز اعلام کرده است که یکجا با امریکا از افغانستان خارج می‌شود.

به دنبال آن، رییس‌جمهور اشرف غنی هر گونه احتمال سقوط افغانستان را رد کرد و گفت که نیروهای امنیتی و دفاعی دفاع

طالبان یک میلیارد دالر به زیربناهای افغانستان صدمه رسانده‌اند

مستقلانه از کشورشان را دارند. او تأکید کرد که نیروهای امنیتی و دفاعی از چندین سال به این طرف، ۹۴ درصد عملیات‌ها را به‌گونه‌ی مستقلانه انجام می‌دهند.

هربرت مک‌مستر، مشاور پیشین امنیت ملی ایالات متحده‌ی امریکا اما تصمیم اخیر امریکا برای خروج از افغانستان را «فاجعه‌ی استراتژیک» خوانده است.

گروه طالبان نیز در واکنش به تصمیم جو بایدن گفته است تا زمانی که نیروهای خارجی به‌گونه‌ی کامل افغانستان را ترک نکنند، در هیچ نشستی که در آن در مورد افغانستان تصمیم گرفته شود، شرکت نمی‌کند.

«مرگ‌بارترین» کشور جهان برای خبرنگاران در رده‌بندی آزادی رسانه‌ها در جایگاه ۱۳۲ ایستاد

سازمان همچنان گفته است که از آغاز سال جاری میلادی تا کنون نیز چهار خبرنگار و همکار دیگر رسانه‌ای کشته شده‌اند.

سازمان گزارش‌گران بدون مرز در بخشی از این گزارش برای توقف زنجیره‌ی کشتار روزنامه‌نگاران هشدار داده و از مقام‌های حکومت افغانستان خواسته است قتل خبرنگاران را به‌صورت جدی تحقیق و بررسی کنند.

گزارش‌گران بدون مرز از جامعه جهانی، به‌ویژه از ایالات متحده‌ی امریکا، آلمان و فرانسه نیز خواسته است که از فراخوان این سازمان به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی برای شامل کردن جنایت علیه روزنامه‌نگاران در پرونده‌ی متعلق به افغانستان، حمایت کنند. در رده‌بندی جهانی ۲۰۲۱ آزادی رسانه‌ها، ناروی، فنلند و سویدن به ترتیب در جایگاه اول تا سوم قرار گرفته‌اند. اریتره، کوریای شمالی و ترکمنستان اما از جمله کشورهای شناخته شده‌اند که رسانه‌ها در آن از آزادی کمتر برخوردارند.

بیش از ۱۳ میلیون نفر در افغانستان با کمبود مواد غذایی مواجه‌اند

نفر برای زنده‌ماندن با مشکل مواجه خواهند شد. با کم شدن آب آشامیدنی و نابودی محصولات زراعی، مردم مجبورند مسافت‌های بسیار طولانی را برای دسترسی به احتیاجات خود پیاده طی کنند.»

او در مورد وضعیت زندگی بیش از ۱۸ میلیون نفر در افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته است که این تعداد افراد امسال به‌خاطر بحران غذایی ناشی از خشک‌سالی و تأثیرات ناشی از بحران اجتماعی و اقتصادی کووید۱۹ و جنگ‌های طولانی‌مدت، نیاز به حمایت بشردوستانه دارند.

او تأکید کرده است: «ما خواستار اقدام فوری برای کمک به مردم افغانستان در این برهه‌ی حساس هستیم. میلیون‌ها نفر برای نجات از مرگ به کمک‌های فوری جهت تأمین غذا، آب و کمک نقدی بیشتر احتیاج دارند.»

«کوچی‌ها و طالبان» حدود ۲۰۰ رأس مواشی ساکنان «حصه‌ی دوم بهسود» میدان وردک را با خود بردند

اطلاعات روز: منابع محلی و مردمی در ولایت میدان‌وردک می‌گویند که افراد مسلح حدود ۲۰۰ رأس مواشی ساکنان ولسوالی حصه‌ی دوم بهسود این ولایت را با خود برده‌اند.

حسین‌بخش، از متنفذان قومی در روستای «دوپیشته»ی ولسوالی حصه‌ی دوم بهسود دیروز (سه‌شنبه، ۳۱ حمل) به روزنامه اطلاعات روز گفت که افراد مسلح این تعداد مواشی را دو روز پیش از این روستا دزدیده‌اند. او افزود که این افراد ابتدا چوپان ۶۵ ساله را لت‌وکوب و سپس مواشی‌ها را با خود برده‌اند. این متنفذ قومی جنگ‌جویان گروه طالبان و کوچی‌ها را متهم به دزدی این مواشی‌ها کردند.
به گفته‌ی او، کوچی‌ها و طالبان در تبنای هم مواشی را با خود برده‌اند. در همین حال خوانی سلطانی، عضو شورای ولایتی میدان‌وردک نیز به روزنامه اطلاعات روز تأیید کرد که جنگ‌جویان گروه طالبان و کوچی‌ها، مواشی ساکنان روستای دوپشته را با خود برده‌اند.

او توضیح داد که این جنگ‌جویان به‌صورت مسلح سوار بر چندین موتر نوع «دادسن» و چهار عراده موتورسایکل بوده‌اند. به گفته‌ی آقای سلطانی، آنان در ابتدا چوپان را نیز با خود برده بوده و سپس او را رها کرده‌اند.

او گفت که نیروهای امنیتی برای بررسی این موضوع از مرکز ولسوالی حصه‌ی دوم بهسود به طرف روستای دوپشته رفته‌اند.

از سویی هم، خوانی سلطانی گفت که جنگ‌جویان طالبان هم‌زمان با ربودن مواشی‌ها، وارد روستای «آب‌پای» در منطقه‌ی مرزی میان ولسوالی‌های حصه‌ی اول و دوم بهسود نیز شده‌اند. او افزود که این روستا خالی از سکنه است و هنوز مشخص نشده که طالبان در این منطقه مستقرند یا خیر.

او اما تأکید کرد که طالبان قلف‌های خانه‌ها را شکستاده‌اند.

این گروه تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

این درحالی است که از چند سال پیش بدینسو در فصل‌های بهار و تابستان ولسوالی‌های بهسود همه‌ساله شاهد درگیری مسلحانه میان کوچی‌ها و ساکنان این ولسوالی‌ها است. این درگیری‌ها میان دو طرف تلفاتی نیز در پی دارد.

غنی:

شرکت برشنا به کمپین «برشنا شرم کن، دزدی را بس کن» پاسخ داد

اطلاعات روز: شماری از کاربران شبکه‌های اجتماعی در اعتراض به آنچه که

اضافه‌ستانی شرکت برق‌رسانی افغانستان (برشنا) در پول صرفیه‌ی برق خوانده‌اند، کمپینی را زیر نام «برشنا شرم کن، دزدی را بس کن» راه‌اندازی کرده‌اند.

شرکت برشنا به نگرانی‌های مشتریان این شرکت در کابل مبنی بر اضافه‌ستانی در بل‌های ماهوار صرفیه‌ی برق پاسخ داده است.

این شرکت گفته است که ماهوارشدن پول صرفیه‌ی برق به زیان مشتریان نه، بلکه به سود مشتریان است: «تنها تغییر را که د افغانستان برشنا شرکت در بل ماهوار آورده تغییر در کنتوری تعرفه است.»

در بل‌های ماهوار صرفیه‌ی برق دیده می‌شود که هزینه‌ی مصرف یک کیلووات برق از ۰ تا ۱۰۰ کیلووات مبلغ ۲.۵ افغانی و از ۱۰۱ تا ۲۰۰ کیلووات مبلغ ۳.۷۵ افغانی تعیین شده است. این درحالی است که در گذشته قیمت هر کیلووات برق از ۰ تا ۲۰۰ کیلووات، مبلغ ۲.۵ افغانی و از ۲۰۱ تا ۴۰۰ کیلووات مبلغ ۳.۷۵ افغانی بود

و مصرف برق هر دو ماه یک بار پرداخت می‌شد.

شرکت برشنا به‌گونه‌ی مثال گفته است: «اگر یک مشترک در بل دوماَهه ۳۰۰ کیلووات برق مصرف می‌نمود/می‌کرد، پول آن ۸۷۵ افغانی می‌شد. حالا در بل ماهوار با مصرف ۱۵۰ کیلووات در ماه مناصفه‌ی ۸۷۵ افغانی یعنی ۴۳۷.۵ افغانی خواهد پرداخت.»

شرکت برشنا در ۲۰ حمل اعلام کرد که پول صرفیه‌ی برق پس از این به‌گونه‌ی ماهوار پرداخت می‌شود و این روند در نخست در کابل و سپس در دیگر ولایت‌ها تطبیق خواهد شد.

این شرکت در آن زمان گفته بود که ماهوارشدن بل برق افزون بر کاهش صرفیه‌ی مشتریان شرکت برشنا، در راستای انکشاف اقتصادی افغانستان نیز نقش اساسی خواهد داشت و هزینه‌ی برق را نیز نصف می‌کند.

شرکت برشنا همچنان گفته بود که ماهوارشدن پرداخت پول صرفیه‌ی برق به این شرکت زیان مالی به بار می‌آورد، اما این تصمیم را با درک وضعیت نابسامان اقتصادی مشتریان، به ویژه خانواده‌های فقیر، گرفته است.

منبع: الیز لایوت، فارن پالیسی
مترجم: فاطمه فرامرز

اعلامیه جو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا در بعدازظهر روز چهارشنبه [هفته‌ی گذشته] مبنی بر این‌که همه سربازان امریکایی تا سپتامبر از افغانستان خارج خواهند شد، بیان‌گر این است که سرانجام، از چشم‌انداز سنگین کشور، برای امریکا [در افغانستان] هیچ‌گونه پیروزی محتمل نیست.

بایدن در سخنرانی خود گفت که چهار رئیس‌جمهور امریکا با افغانستان کشمکش کرده‌اند - و او مشکل را به پنجمی نمی‌رساند. بایدن گفت: «ما نمی‌توانیم به چرخه‌ی تمدید یا گسترش حضور نظامی خود در افغانستان ادامه دهیم، به این امید که شرایط ایده‌آل برای خروج خود ایجاد کنیم [و] منتظر نتیجه‌ی متفاوت هستیم.»

جدول زمانی جدید بایدن برای خروج امریکا تنها چند ماه دیرتر از معامله‌ای است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده برای رسیدن به توافق‌نامه صلح با طالبان، در اوایل سال گذشته امضا کرد. ناظران خوش‌بین خروج بدون قید و شرط بایدن را نمونه‌ی ابتدایی آنچه رئیس‌جمهور و تیم امنیت ملی وی قول داده‌اند، سیاست خارجی «تحقیرآمیز» خواهند خواند. منتقدان آن را شکست تحقیرآمیزی خواندند که باعث می‌شود امنیت ایالات متحده کاهش یابد و مردم افغانستان را به آینده‌ای ترسناک رها کند.

در هر صورت، اعلامیه این تصور را که حضور طولانی مدت نیروهای امریکایی کمک می‌کند تا طالبان مغلوب شوند، نیروهای افغان برای استقرار و اتکا به خود تقویت شوند و دولت مرکزی کابل قادر شود تا سرانجام کنترل خود بر کل کشور را گسترش دهد، متوقف می‌کند. پس از ۲۰ سال جنگ و هزاران کشته، هیچ یک از این‌ها تحقق نیافته است. مقامات امریکایی ادعان می‌کنند که طالبان از نظر نظامی در بالاترین سطح خود هستند و طی سال گذشته حملات را به طرز چشم‌گیری افزایش داده‌اند. مراکز ولایات که برای مدت کوتاه در اختیار سربازان افغان قرار می‌گیرد، معمولاً توسط شورشیان پس گرفته می‌شود. تعداد معدود نیروهای باقیمانده ایالات متحده، در حال تقویت یک دولت عمیقاً نامحبوب در افغانستان هستند که اعتماد مردم خود را از دست داده است یا هرگز [اعتماد] جلب نکرده است.

سابقه‌ی امریکا در افغانستان یک باخت تمام و کمال نیست. ایالات متحده ۲۰ سال پیش به افغانستان حمله کرد تا در نهایت اسامه بن لادن و دیگر تروریست‌های القاعده که نقشه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را طراحی کرده بودند، را ریشه‌کن کند. به‌طور کلی، آن کار تمام شده است. بن لادن ۱۰ سال است که مربوط به گذشته است؛ و در حالی‌که القاعده هنوز جای پای خود را در افغانستان دارد - و هنوز با طالبان همکاری می‌کند - جامعه اطلاعاتی ایالات متحده معتقد است که

پایان کار بایدن با افغانستان؛

آیا کار افغانستان نیز با امریکا پایان یافته است؟

بیرون کشیدن همه نیروهای امریکایی، برنامه‌ی خطرناک دولت برای تحت فشار قراردادن کابل و طالبان، برای ایجاد صلح است.



برگشت سربازان ارتش امریکا به خانه، دسامبر سال ۲۰۲۰، نیویورک/ عکس از JOHN MOORE / GETTY IMAGES

درگرفت. سرانجام، طالبان در سال ۱۹۹۶ پایتخت را تصرف کردند و به دنبال آن مذاکرات صلح ناموفق با اتحاد شمال انجام شد. پنج سال حکومت وحشیانه ادامه داشت تا این‌که حمله ایالات متحده طالبان را سرنگون کرد.

بدون هیچ نوع توافق صلح - پس از شکست مذاکرات در ترکیه که بعید به نظر می‌رسد - و با عزیمت نیروهای ایالات متحده (و تقریباً به‌طور قطعی ناتو)، به نظر می‌رسد که طالبان برای تکرار موفقیت‌های گذشته خود و بازگشت به قدرت آماده هستند.

طالبان برای افغانستان آینده، قانون اساسی اسلامی می‌خواهند. اما این ممکن است لزوماً به معنای بازگشت به دوران تاریک دهه ۱۹۹۰ در همه‌جا نباشد. در جاهایی که طالبان کنترل دارند، آنان همچنان تفسیر وحشیانه‌ای از قوانین اسلامی از جمله عدالت اختصاری را بر افغان‌ها تحمیل می‌کنند. اما رهبری طالبان که در ولایات دوردست زندگی می‌کنند، متوجه خواهند شد که از زمان آخرین حضور آنان در شهرهای بزرگ مانند کابل، چیزهای زیادی تغییر کرده است. امروز پایتخت از جوانان باهوش انترنتی که در کافه‌ها موسیقی می‌شوند، با یک جامعه مدنی پررونق و زنانی که در کنار مردان کار می‌کنند، پر شده است.

افغان‌ها - تمام نسلی که پس از سرنگونی طالبان رشد کرده‌اند - اگر تعداد کافی از آن‌ها پس از خروج امریکایی‌ها در مورد مساله درنگ کنند، بعید است که بدون جنگ از این کشور جدید دست بکشند. اگر بترسند که دولت به اندازه کافی کار نمی‌کند، مردم ممکن است خود امور را به‌دست بگیرند که این می‌تواند افغانستان را به یک جنگ داخلی حتماً عمیق‌تر درگیر کند.

بازگشت ایالات متحده از تصمیم‌اش به‌زودی احساس خواهد شد، به‌ویژه اگر طالبان به قدرت برگردند. افغانستان به‌طور مداوم در میان بزرگ‌ترین منشأ پناهندگان به اروپا بوده است - و دوباره می‌تواند باشد. هروئین افغانستان می‌تواند بازارهای جهانی را غرقاب کند. گروه‌های جهادی در همه‌جا پیامی ساده می‌بینند: آن‌ها می‌توانند پیروز شوند. همچنین برنامه‌های سازش‌ناپذیر دولت بایدن برای خروج ممکن است باعث ایجاد فشارهای جدید در روابطش با متحدان اروپایی شود.

در نهایت، بایدن ممکن است به درگیری امریکا در افغانستان، و اگر نه جنگ افغانستان، پایان داده باشد. اما با احتمال اعزام نیروهای بیشتر، مطمئناً هم طالبان و هم رای‌دهندگان امریکایی را عصبانی خواهد کرد، می‌توان نتیجه گرفت که به تأخیرانداختن خروج امریکا فقط یک دستورالعمل برای تعهد با پایان باز است. این [دستورالعمل] ممکن است پیش‌زمینه‌ی یک دستورالعمل خیلی بدتر باشد.

الیز لایوت استاد کمکی در دانشکده خدمات بین‌المللی دانشگاه امریکایی و ستون‌نویس در فارن پالیسی است.

به توافق نهایی سوق دهد، درحالی‌که فشارها بر همسایگان مانند پاکستان برای استفاده از نفوذشان بر طالبان جهت جلوگیری از جنگ داخلی افزایش می‌یابد.

افغان‌ها رهبری ضعیف غنی را مسئول احیای مجدد طالبان می‌دانند. عدم تمایل وی برای تقسیم قدرت تلاش‌های اولیه برای ترسیم آینده‌ای پس از جنگ را ناکام کرده است. غنی نتوانست روابط خود را با واشنگتن به‌نحوی ایجاد کند که ممکن است به حضور طولانی‌مدت و تثبیت حضور نیروهای امریکایی بینجامد، چنانچه در جاپان، آلمان و کوریا جنوبی اتفاق افتاد. افغان‌ها می‌فهمند که غنی نه می‌تواند جنگ کند و نه توان صلح کردن دارد.

در حالی‌که ایالات متحده آماده‌ی عزیمت می‌شود، اولین پرسش داغ این است که چه تعداد از دستاوردهای دو دهه گذشته - از سر و صدای دموکراسی تا پیشرفت در حقوق زنان - می‌تواند حفظ شود تا اطمینان حاصل شود که فداکاری ایالات متحده در این کشور کاملاً بی‌بهره نبوده است. خطوط روند مثبت نیستند: زلمی خلیل‌زاد، فرستاد ایالات متحده به افغانستان، تحت فشار ترمپ قادر نشد تا از طالبان در مورد حقوق بشر، دموکراسی یا حقوق زنان اطمینان حاصل کند.

پرسش عمده دوم این است که آینده احتمالاً به چه میزان به سال ۱۹۹۰ شباهت خواهد داشت. پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹، جنگ داخلی

آینده کشور محکم بایستند. طالبان همین هفته کنفرانس صلح برنامه‌ریزی شده در ترکیه را بایکوت کردند و تمام آینده روند صلح افغانستان را به تردید انداختند. رهبران طالبان از به رسمیت شناختن دولت در کابل امتناع می‌ورزند و حتی تا زمان برقراری توافق صلح نیز در مورد آتش‌بس فکر نمی‌کنند - که این‌گونه دستیابی به توافق را سخت‌تر کرده‌اند.

از نظر بایدن و بسیاری از تیم امنیت ملی او، منطق خروج در سپتامبر، ۲۰ سال فکر را روی سر خود می‌چرخاند. واشنگتن به‌جای این‌که سربازان امریکایی را در این کشور به‌عنوان اهرم فشار برای دولت افغانستان در میز مذاکره، بگذارد، شرط می‌بندد که یک تاریخ مشخص برای عزیمت طرفین را برای دستیابی

غنی نتوانست روابط خود را با واشنگتن به‌نحوی ایجاد کند که ممکن است به حضور طولانی‌مدت و تثبیت حضور نیروهای امریکایی بینجامد، چنانچه در جاپان، آلمان و کوریا جنوبی اتفاق افتاد. افغان‌ها می‌فهمند که غنی نه می‌تواند جنگ کند و نه توان صلح کردن دارد.

چالش کمبود آموزگار در افغانستان:

آموزگاران موقتی «حق‌الزحمه» تاکنون استخدام نشده‌اند

لیاقت لایق

یک ماه از آغاز سال جدید آموزشی می‌گذرد، دانش‌آموزان به سبب کمبود آموزگار در بیشتر ناحیه‌های شهر کابل، ولسوالی‌ها و ولایات در بی‌سروشتی به‌سر می‌برند. کمبود آموزگار یکی از چالش‌های اساسی معارف افغانستان است. برای رفع بخشی از این چالش، پیش از این وزارت معارف هرسال آموزگاران موقتی «حق‌الزحمه» استخدام می‌کرد. امسال آموزگاران «حق‌الزحمه» نیز به‌دلیل مشکلات مالی، هنوز استخدام نشده‌اند. آموزگاران «حق‌الزحمه» سال گذشته نیز به‌دلیل تأثیرپذیری از شیوع ویروس کرونا استخدام نشده بودند و و امسال هم تاکنون این چالش حل نشده است. براساس آمار رسمی به‌گونه‌ی نمونه در ناحیه‌ی سیزدهم شهر کابل یک‌هزار و ۳۰۰ آموزگار کمبود است. دانش‌نگان این ناحیه از نبود آموزگار و بی‌سروشتی ده‌ها هزار دانش‌آموز شکایت دارند. در این ناحیه اکنون یک‌هزار و ۴۸۳ آموزگار مصروف آموزش و پرورش‌اند. این آمار نشان می‌دهد که نزدیک به ۵۰ درصد از آموزگاران مورد نیاز این ناحیه استخدام نشده‌اند.

همچنین ناحیه‌ی دوازدهم شهر کابل یک‌هزار و ۲۱۵ آموزگار دارد و یک‌هزار آموزگار دیگر کمبود است. مکاتب ناحیه‌ی هفدهم اکنون یک‌هزار و ۳۰۰ آموزگار دارد اما یک‌هزار و ۲۰۰ آموزگار دیگر کمبود است. در مجموع در شهر کابل ۲۵ هزار آموزگار مصروف آموزش و پرورش است اما با آن‌هم بیشتر ناحیه‌های شهر با کمبود هزاران آموزگار روبه‌رو است. برخی از باشندگان شهر کابل وزارت معارف را به اعمال تبعیض در استخدام آموزگار متهم می‌کنند و می‌گویند که شماری از ناحیه‌ها صدها آموزگار کمبود دارد اما در برخی دیگر آموزگار اضافی استخدام شده است. سخن‌گوی وزارت معارف این اتهام را رد می‌کند و می‌گوید چالش کمبود آموزگار در یک یا چند ناحیه نه بلکه در بیشتر ناحیه‌های شهر کابل وجود دارد. نجیبه آرین، سخن‌گوی وزارت معارف می‌گوید: «این طور نیست که در شماری از ناحیه‌ها بست‌های اضافی وجود داشته باشند و شماری دیگر آموزگار کمبود باشد. بدون شک در سال‌های گذشته امکان دارد که در توزیع بست‌ها یک سلسله چالش‌ها وجود داشته اما تلاش رهبری فعلی

این است که ما بتوانیم به‌گونه‌ی برابر امکانات را توزیع کنیم. تمرکز بیشتر روی نواحی و ولایاتی است که در محرومیت به‌سر می‌برند. هم از لحاظ امکانات و هم از لحاظ معلم و تشکیلات اداری.»

مسئولان وزارت معارف می‌گویند که قرار است امسال روند استخدام آموزگاران «حق‌الزحمه» به‌زودی آغاز شود. اکنون که یک ماه از آغاز سال آموزشی گذشته است، سخن‌گوی این وزارت می‌گوید که بحث‌های‌شان با وزارت مالیه برای رفع چالش مالی استخدام این آموزگاران ادامه دارد و در تلاش‌اند تا این چالش به‌زودی حل شود. به‌گفته‌ی خانم آرین از این‌که بودجه‌ی ملی ۱۴۰۰ از سوی مجلس نمایندگان دیر تصویب شد، از این‌رو در روند استخدام آموزگاران «حق‌الزحمه» نیز تأخیر آمده است.

بخش آموزش و پرورش افغانستان بنا بر آمارهای رسمی در مجموع ۶۰ تا ۷۰ هزار آموزگار کمبود دارد. مسئولان وزارت معارف و رئیس‌جمهور هر سال در مراسم نواختن زنگ مکتب وعده می‌دهند که هزاران آموزگار جدید به شیوه‌ی رقابت آزاد استخدام می‌کنند و به این چالش

گزارش

به تدریج پایان می‌دهند. امسال نیز بنا بر گفته‌ی رئیس‌جمهور قرار است بیش از ۱۱ هزار بست آموزشی ایجاد و برای رقابت آزاد اعلام شود.

کمبود آموزگار در آموزش و پرورش افغانستان در حالی است که براساس اطلاعات رسمی بیشترین کارمندان و آموزگاران خیالی در وزارت معارف شناسایی شده است. گرچند روند ثبت بیومتریک کارمندان وزارت معارف هنوز از سوی کمیسیون اصلاحات اداری و خدمات ملکی تمام نشده است. این کمیسیون در قوس سال گذشته اطلاعاتی را از این روند منتشر کرد که نشان می‌داد از میان ۱۲ هزار کارمند خیالی در دستگاه دولت، ۹ هزار آن مربوط به وزارت معارف بوده است. بنا بر پژوهش‌های که سال‌های پیش منتشر شد، موجودیت آموزگاران خیالی در وزارت معارف، این اداره را در رده‌ی فاسدترین ادارات قرار می‌دهد؛ کارمندان و آموزگاران که به نام‌های جعلی و بدون حضور در کار عملاً از دولت معاش می‌گیرند. درحالی‌که هزاران دانش‌آموز شامل در مکتب به‌دلیل کمبود آموزگار از درس و مشق محروم می‌شوند.

بازدارنده‌های صلح و سناریوی احتمالی جنگ



متفاوت‌تر از جنگ فعلی خواهد بود. طالبان برای تسلط کامل افغانستان خواهند جنگید. در مقابل، راه برای دیگر قدرت‌های منطقه‌ای باز خواهد شد تا بخت خود را در خاک افغانستان آزمایش کنند. بخت اول بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان، چین خواهد بود. هفته‌ی گذشته روزنامه‌ی «ساوت چاینا مورنینگ پست چین» در گزارشی نوشت که ممکن است پس از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، چین به این کشور «نیروهای صلح» بفرستد. این روزنامه سه روز پس از اعلام خروج نیروهای آمریکایی توسط جو بایدن، نوشت که خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، نه تنها ثبات و امنیت این کشور را تهدید می‌کند بلکه ممکن است دامنه تهدیدها به «سینکیانگ» نیز برسد و فعالیت و تلاش‌های ضد تروریسم، دولت این کشور را هم مختل کند.

به باور تحلیل‌گران چینی اگر پس از خروج نیروهای آمریکایی، تهدید امنیتی متوجه کشورهای جنوب آسیا شود، چین نیروهای صلح را به افغانستان خواهد فرستاد. «سون چی»

افغانستان بار دیگر مورد هجوم کشورهای منطقه و جهان قرار خواهد گرفت و جنگ در شهرها و مناطق دوردست شدت خواهد یافت. در حال حاضر، گزینه‌ی مناسب، نشست استانبول و توافق بر سر یک حکومت فراگیر و همه‌شمول است. نیروهای سیاسی افغانستان برای مذاکره با طالبان آمادگی دارند.

تهدید و تکفیر است. آنان افرادی را که تحت رهبری این نظام کار می‌کنند در اعلامیه‌های شان «جاسوس»، «مزدور»، «خائین» و... می‌خوانند. در حالی که قرار است آن‌ها در صورت توافق صلح دوباره با همین افراد زیر یک چتر کار کنند. باین‌حال، با چنین نگرشی که طالبان دارند، رسیدن به یک صلح معنادار، چیزی فراتر از یک خوش‌بینی واهی نمی‌تواند تلقی شود.

جنگ با تن‌پوش جدید

در صورت شکست کامل مذاکرات صلح با طالبان، گزینه‌ی دیگر، ادامه جنگ است، اما جنگی بعد از خروج نیروهای آمریکایی،

راه‌اندازی کردند. حملات به پاسگاه‌های نیروهای امنیتی شدت یافت و حملات انفجاری و انتحاری کماکان ادامه می‌یابد. طالبان همچنان به تعهدشان مبنی بر قطع همکاری با شبکه‌های تروریستی عمل نکردند و در مناطق تحت اداره‌ی این گروه، محکمه‌های صحرایی برگزار می‌شود. آخرین مورد، اعضای وابسته به این گروه، یک زن را در حضور ده‌ها تن در ولسوالی اوبه ولایت هرات، دره زده و شکنجه کردند. این موارد، موانع جدی بر سر راه موفقیت مذاکرات صلح است. رسیدن به یک صلح پایدار و همه‌شمول، نیازمند انعطاف و از خودگذری است، اما ادبیات گروه طالبان در برابر طرف‌های داخلی، ادبیات

و آنان می‌خواهند توافق‌شان با دولت افغانستان با تغییرات گسترده در سطح رهبری نظام و دستگاه دیپلماسی و سیاسی همراه باشد. آنان نمی‌خواهند پیوستن‌شان به پروسه صلح، شبیه توافق حکمتیار با دولت، یک اتفاق عادی تلقی شود. باین‌حال، هیچ‌گونه توافقی ممکن نخواهد بود، مگر آقای غنی حاضر شود به جمع دیگر نیروهای سیاسی داخلی بپیوندد و بقای حکومتش را به لقای صلح ببخشد، در غیر آن، در میان اعضای هیأت مذاکره‌کننده «جمهوریت» پراکندگی و چندپارچگی به‌وجود خواهد آمد و این، فصل تازه‌ای از کشمکش‌ها و تنش‌ها را در درون نظام دامن خواهد زد.

روایت فتح و پیروزی طالبان، دومین مانع عمده پروسه صلح خوانده می‌شود. طالبان سال گذشته در مراسم امضای توافق‌نامه با آمریکا، پرچم‌های‌شان را به نشانه‌ی «فتح» و «پیروزی» بلند می‌کردند و آنان هنوز معتقدند که در جنگ افغانستان پیروز شده‌اند. چندی پیش، عباس استانکزی عضو هیأت رهبری گروه طالبان در مسکو خطاب به نمایندگان دولت افغانستان می‌گفت که «صدای صلح‌خواهی خیلی دیر بلند شده است». وی می‌گفت که بیست‌سال پیش چرا صدای صلح‌خواهی بلند نشد که اکنون می‌شود. وی به‌صورت تلویحی اشاره به آن داشت که طالبان اکنون قدرت یافته و سازمان‌یافته‌تر شده‌اند و به نحوی در جنگ افغانستان به پیروزی رسیده است و نمایندگان دولت از جایگاه ضعیف، ندای صلح‌خواهی بلند می‌کنند.

پیش از این، طالبان برای پیشرفت مذاکرات صلح، مطالبات بزرگ از جمله رهایی پنج‌هزار زندانی‌شان از زندان‌های افغانستان در یک نوبت و رهایی هفت‌هزار زندانی باقی‌مانده در نوبت دیگر، حذف نام اعضای این گروه از لیست سیاه سازمان ملل و روی کار آمدن یک نظام اسلامی (مطابق تعریف آنان) را با آمریکایی‌ها و طرف‌های افغانی مطرح کرده‌اند. اما در مقابل، به جز رهایی یک هزار زندانی نیروهای امنیتی افغانستان، به هیچ یکی از تعهدات‌شان عمل نکردند. طالبان برخلاف تعهد به کاهش خشونت‌ها، ترورهای هدفمند را در شهرها و مناطق دوردست

حمید فرهادی

پروسه صلح افغانستان به نقطه‌ی باریک و حساس آن رسیده است؛ تنها یک قدم مانده تا جنگ طولانی افغانستان پایان بیابد. و یا هم تروریسم و دهشت‌افکنی، وارد فاز جدید و مرحله‌ی متفاوت‌تر شود. کمتر از یک هفته به برگزاری مهمترین نشست صلح افغانستان در استانبول ترکیه مانده و هر دو گزینه کماکان روی میز است. پروسه صلح پس از طی‌نمودن یک مسیر طولانی و ناهموار، تا برگزاری نشست مهم استانبول رسیده و انتظار می‌رود که طرف‌های درگیر، از این فرصت به راحتی نگذرند. ضمن این‌که جنگ کماکان یک گزینه‌ی جدی است. پس از آن‌که جو بایدن و ناتو از پایان مأموریت نیروهای‌شان در افغانستان خبر دادند، احتمال این‌که طالبان با پشت‌پازدن به نشست صلح، به تحرکات‌شان در شهرها و اطراف شدت ببخشند، همچنان پابرجاست. با نزدیک‌شدن به زمان خروج کامل نیروهای آمریکایی از افغانستان، پروسه صلح با موانع و چالش‌های جدی روبه‌رو است که گذشتن از آن‌ها، به راحتی میسر و ممکن نیست. همزمان با این، سناریوی یک جنگ تازه با پوشش جدید محتمل است که ممکن است منجر به دگرگونی شرایط و اوضاع جاری در افغانستان شود.

اولین مانع برای رسیدن به توافق صلح، حکومت کنونی به رهبری اشرف غنی است. گروه طالبان مشروعیت حکومت اشرف غنی را نمی‌پذیرند و او را ناتوان برای اداره مملکت می‌خوانند. آنان دوره جدید حکومت غنی را برخواسته از یک انتخابات شفاف نه، بلکه تمدید سفارشی می‌خوانند و معتقدند که وی از کلیت مردم افغانستان نمایندگی نمی‌تواند. مسلم است که رسیدن به توافق صلح، از هر دو طرف به‌ویژه آقای غنی قربانی می‌خواهد و این قربانی چیزی کمتر از کناره‌گیری از قدرت نخواهد بود. اما اشرف غنی و نزدیکان او، هرگونه توافقی را که منجر به کناره‌گیری آنان از قدرت شود نپذیرفتنی خوانده‌اند و معتقدند که صلحی به غیر از انتخابات، به معنای فروپاشی نظام است.

گزینه‌ی غنی برای صلح، برگزاری انتخابات زودهنگام است، اما مسلمانان چنین خواستی را تحت هیچ شرایطی نمی‌پذیرند

محمدکاظم احمدی

مدتی است که اخباری از اقدامات خرابکارانه‌ی اسرائیل در حمله به اهداف ایران در منطقه مخابره می‌گردد. آخرین مورد آن انفجار در مرکز غنی‌سازی یورانیوم در نطنز ایران بود که موجب خسارت‌های جدی‌ای به این مرکز شد. اگرچه اسرائیل این حمله را رسماً به عهده نگرفت ولی نخست‌وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهاو در کنفرانس خبری مشترک با وزیر دفاع آمریکا یک روز بعد از این حادثه اعلام کرد که اسرائیل اجازه دست‌یابی ایران به سلاح هسته‌ای را نخواهد داد. روزنامه وال استریت ژورنال نیز فاش کرد که اسرائیل در سال ۲۰۱۹ به ۱۲ کشتی ایرانی حمله کرده. پس از رسانه‌های شدن این خبر، کشتی تحت اجاره‌ی اسرائیل در تنگه هرمز مورد حمله قرار گرفت. مسئولیت این حمله را کسی به عهده نگرفت ولی برای اسرائیل مشخص بود که عامل این حمله چه کسی است. اسرائیل بعد از این حمله، یک کشتی دیگر ایرانی را در دریای سرخ مورد حمله قرار داد

سناریوی اول: جلوگیری از تقویت حضور ایران در منطقه

اسرائیل هدف از این حملات را جلوگیری از قدرت‌گیری ایران در منطقه اعلام می‌کند. این کشور تلاش دارد با حمله به کشتی‌های ایرانی، حملات هوایی به پایگاه‌های ایران در سوریه و خرابکاری در برنامه هسته‌ای این کشور مانع از قدرت‌گرفتن ایران در منطقه شود و مثلاً با اقدامی مشخص مانند حمله به کشتی‌های ایرانی یا پایگاه‌های این کشور در سوریه اتصال بین ایران و کشورهای گروه‌های همسو با ایران را قطع کند و یا هزینه را

ایران بعد از روی‌کارآمدن بایدن تلاش کرد با بالابردن سطح غنی‌سازی یورانیوم از موضع قوی‌تری در مذاکرات برای احیای برجام شرکت کند و در مقابل برداشته‌شدن تحریم‌های آمریکا سطح غنی‌سازی یورانیوم خود را کاهش بدهد و اجازه ندهد که موضوع مذاکرات به سمت برنامه موشکی این کشور برود.

اسرائیل در منطقه به دنبال چیست؟



موضوع مذاکرات برجام مستقیماً به دومین برگ برنده ایران و عامل نگرانی اسرائیل، یعنی برنامه موشکی ایران، برود.

سناریوی سوم: آغاز جنگ دیگر به رهبری آمریکا

به‌نظر نمی‌رسد که حملات اسرائیل به اهداف ایرانی تأثیر چندانی در سیاست

احیای برجام شرکت کند و در مقابل برداشته‌شدن تحریم‌های آمریکا سطح غنی‌سازی یورانیوم خود را کاهش بدهد و اجازه ندهد که موضوع مذاکرات به سمت برنامه موشکی این کشور برود. اما اسرائیل به‌خصوص با خرابکاری در تأسیسات ایران تلاش می‌کند این برگ برنده ایران را از وی گرفته و شرایطی را ایجاد کند تا

برای ایران بالا ببرد تا در نتیجه ایران به فکر بازنگری در سیاست خویش بیفتد.

سناریوی دوم: تضعیف موضع ایران در مذاکرات

ایران بعد از روی‌کارآمدن بایدن تلاش کرد با بالابردن سطح غنی‌سازی یورانیوم از موضع قوی‌تری در مذاکرات برای

ترجمه



چین، هژمون بعدی خاورمیانه؟

به‌رغم خروج از افغانستان، برتری نظامی آمریکا در خاورمیانه احتمالاً برای مدتی همچنان بلامنازع باقی می‌ماند، اما قدرت نظامی برای جلوگیری از رشد استراتژیک چین در منطقه کافی نخواهد بود.

شلمو بن عامی، پروچکت سندیکت
مترجم: جلیل پژواک

جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده اعلام کرد که نیروهای آمریکایی را تا یازدهم ماه سپتامبر سال جاری از افغانستان خارج می‌کند و سرانجام به طولانی‌ترین جنگ ایالات متحده پایان می‌دهد. این حرکت، نشان‌دهنده تغییری کلان‌تر در چشم‌انداز ایالات متحده برای آینده‌ای دور از خاورمیانه است؛ تغییری که دیری بود انتظارش می‌رفت. اما آیا کسی جای ایالات متحده را در منطقه خواهد گرفت؟

چین چنین به‌نظر می‌رسد. حدود دو هفته قبل از اظهارات بایدن، «وانگ یی»، وزیر امور خارجه چین برای امضای قرارداد ۲۵ ساله «مشارکت جامع استراتژیک چین و ایران» که شامل همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با ایران می‌شود، در تهران بود. این اقدام به دلایل قوی باعث نگرانی ایالات متحده شده است.

بلی، قراردادهای «مشارکت جامع استراتژیک» یک ابزار استاندارد سیاست خارجی برای چین به‌شمار می‌روند؛ قراردادهایی که بیچینگ قبل از ایران با سایر کشورهای منطقه از جمله عراق و عربستان سعودی نیز به امضا رسانده است. و برخی به احتمال زیاد در خصوص دامنه‌ی این قرارداد با ایران اغراق کرده‌اند، مانند این گزارش که می‌گوید مشارکت جامع استراتژیک بیچینگ و تهران، شامل ۴۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران می‌شود (هیچ‌یک از دو طرف رقم مشخصی را تأیید نکرده‌اند). اما حتی اگر امضای قرارداد مشارکت جامع استراتژیک، روابط چین و ایران را به سطح بالاتری ارتقا ندهد، این اولین بار است که چین چنین قراردادی را با یک دشمن دیرینه ایالات متحده منعقد می‌کند. در عین حال، چین در حال تقویت روابط خود با نزدیک‌ترین متحدان آمریکا در خاورمیانه از جمله امارات متحده عربی، مصر و حتی اسرائیل است.

در حال حاضر انگیزه‌ی چین در درجه اول اقتصادی به‌نظر می‌رسد. چین جدا از دستیابی به منابع انرژی منطقه می‌تواند از طریق همکاری با سکتور صنایع پیشرفته‌ی اسرائیل جایگاه خود را در سکتورهای پیشرفته جهان نیز ارتقا بخشد. به همین دلیل است که بیچینگ طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری خود را در اسرائیل به‌صورت چشم‌گیر افزایش داده است (که مایه نگرانی ایالات متحده شده است).

چین همچنین به اسرائیل برای پیش‌برد بلندپروازی‌های اتصال-ارتباطی خود، که مشمول ابتکار کمربند و راه بیچینگ می‌شود، روی آورده است. چین همچنان که کنترل بنادر دریایی در سایر نقاط آسیا و اروپا را به تدریج به‌دست می‌گیرد، جای پای خود را در بندر حیفا اسرائیل نیز به خوبی محکم کرده است. به همین ترتیب چین با پیش‌بینی ضرورت خود به نفت ایران، یک مسیر حمل و نقل مستقیم را به بندر عباس در تنگه هرمز توسعه داده است.

آنچه دست‌کم در حال حاضر ایالات متحده لازم نیست نگرانش باشد، دست‌بردن چین به آتش منازعه در خاورمیانه است. درست است که سند مشارکت جامع استراتژیک چین با ایران از همکاری‌های امنیتی بین دو کشور نام می‌برد، اما این به معنای اتحاد نظامی نیست و چین در هیچ درگیری نظامی‌ای طرف نمی‌شود. گذشته از آن چین همچنین با عربستان سعودی، رقیب اصلی ایران در منطقه، نیز تمرینات نظامی انجام می‌دهد.

چیزی که چین احتمالاً نمی‌خواهد آتش‌بازی منطقه‌ای

با طالبان آمادگی دارند. شورای مصالحه‌ی ملی با طرف‌های داخلی و بیرونی در حال رأی‌زنی است که بتواند حمایت عمومی را از پروژه صلح جلب کند تا از هرگونه سناریوی جنگی احتمالی جلوگیری شود. در عین حال، شماری از فرماندهان جهادی در روزهای اخیر سرگرم نمایش قدرت اند. ذلفقار امید، رهبر حزب کار و توسعه روزهای قبل با انتشار عکس‌هایی از افراد مسلح، از آمادگی برای دفع حملات و تهدیدات خبر داد. احمد مسعود، فرزند احمدشاه مسعود قهرمان ملی افغانستان نیز روز قبل در مصاحبه با طلوع‌نیوز، از آمادگی برای شکل‌دهی «مقاومت دوم» سخن گفت. اسماعیل خان، رهبر جهادی در حوزه غرب با شماری از افراد وابسته‌اش، مانور مسلحانه اجرا و به دفاع از نظام صحبت نمود. البته، در مناطق دوردست نیز فرماندهان محلی افراد مسلح دارند و خیزش‌های مردمی کماکان بازوی توانای دولت در مقابله با گروه طالبان بوده‌اند. اشرف غنی، چند روز پیش گفت که با خروج نیروهای خارجی، مردم در کنار ۳۰۰ هزار نیروی امنیتی‌شان مقاومت خواهند کرد.

با همه‌ی این احتمالات و سناریوها، افغانستان به دهه ۹۰ بازخواهد گشت و وقوع یک جنگ داخلی دیگر بسیار محتمل است. از یک طرف طالبان به درگیری‌ها ادامه خواهند داد. در سوی دیگر، فرماندهان جهادی به یارگیری و مسلح‌سازی افراد رو خواهند آورد و فرماندهان محلی در اطراف و مناطق دوردست، حاکمیت را در دست خواهند گرفت و کشورهای منطقه و هم‌جوار افغانستان، با ملیشه‌سازی و حمایت از چهره‌های وابسته، نقش‌شان را در قضایای افغانستان کماکان حفظ خواهند کرد. گزینه‌ی ایده‌آل اما، گذشتن از مطالبات یک‌طرفه و توافق روی یک نظام سیاسی واحد و همه‌شمول است. هم طالبان و هم رهبران حکومت افغانستان می‌دانند که با سماجت و خودسری پروژه صلح به نتیجه نمی‌رسد و در به نتیجه‌نرسیدن پروژه صلح نیز، هیچ طرف نمی‌تواند نسخه معقول و مناسب خوش را در این کشور پیاده کند، الا این‌که افغانستان به یک جنگ خانمان‌سوز دیگر کشیده شود که در آن تر و خشک خواهد سوخت.

تحلیل

آمریکا پیش از این رژیم صدام حسین یکی از دشمنان اصلی اسرائیل با ارتشی قدرتمند را از بین برده است. و اسرائیل در حال برنامه‌ریزی و تلاش برای پدیدآوردن همان سرنوشت برای ارتش ایران است.

جنگ آینده می‌تواند تبعات زبان‌بازی برای منطقه و به خصوص افغانستان داشته باشد. جنگ عراق موجب کشته شدن صد هزار نفر، آوارگی ۴ میلیون نفر و از بین رفتن اقتصاد این کشور گردید و زمینه را برای ظهور داعش و فعالیت بیشتر القاعده در منطقه فراهم کرد. کشورهای مختلف از جمله اروپا و ترکیه به‌شدت از بحران سوریه و عراق آسیب دیده‌اند. در کنار تلفات جنگ و سیل آوارگان مسأله دیگر نیازمندبودن افغانستان و کشورهای منطقه به بازار ایران و خطوط مواصلاتی این کشور است. به خصوص افغانستان با دارا بودن شرایط ناپایدار و عدم دسترسی به آب‌های بین‌المللی به شدت نیازمند بندر چابهار ایران است. تنها در زمینه اقتصادی هرگونه وقفه کوتاه در صادرات ایران به افغانستان تأثیر شدیدی بر بازارهای داخل کشور می‌گذارد و اگر این وقفه طولانی شود افغانستان در زمینه تأمین مواد سوختی و غذایی دچار مشکلات شدیدی خواهد شد. از طرفی منطقه نیز بعد از جنگ افغانستان، عراق و سوریه توانایی تحمل یک جنگ دیگر را ندارد.

از تحلیل‌گران روابط بین‌الملل دانشگاه شانگهای به این‌گونه گفته است که نیروهای امنیتی افغانستان، توانایی تأمین امنیت این کشور را ندارند و ممکن در آینده‌ی نزدیک افغانستان دچار یک هرج‌ومرج شود و جرایم مرزی، قاچاق مواد مخدر و قاچاق سلاح در این کشور گسترش یابد. اگر وضعیت امنیتی، تهدیدی ایجاد کند، ممکن است که چین نیروهای نظامی صلح را به همراه کمک‌های بشردوستانه زیر شرایط منشور سازمان ملل متحد به منطقه اعزام کند تا از امنیت و منافع مردم چین، اطمینان حاصل کند.

این خبر شاید به نظر واقع‌بینانه به نظر نرسد، اما اگر تحرک گروه طالبان شدت پیدا کند، افغانستان چاره‌ای جز یافتن یک هم‌پیمان دیگر برای دفع حملات و تهدیدات ندارد. چه فرصتی بهتری از این برای چین که حضور بیست‌ساله رقیب دیرینه (آمریکا) را در افغانستان زیر سوال ببرد. این در واقع، یک فرصت طلایی و یک حرکت راهبردی و درازمدت برای چین است که می‌خواهد در آینده، قدرت سیاسی و نظامی جهانی را از آمریکا سلب کند.

کشورهای ایران و هند نیز از دیگر علاقمندان حضور نظامی در افغانستان اند. چندی پیش، جواد ظریف وزیر خارجه ایران گفت که اگر افغانستان علاقه‌مند باشد، می‌تواند به‌خاطر مبارزه با هراس‌افکنی روی ایران و لشکر فاطمیون حساب باز کند. هند نیز به‌خاطر جلوگیری از نفوذ بیشتر پاکستان در افغانستان و تهدیدات احتمالی بر منافع هند، ممکن است برای تجهیز و تقویت نیروهای امنیتی افغانستان، نیرو و ابزار جنگی کمکی بفرستد. همچنان، روسیه نیز بدش نمی‌آید به‌خاطر ثبات و امنیت در آسیای میانه و ادامه رقابت دیرینه با آمریکا، بار دیگر با قضایای افغانستان مستقیم دخیل شود.

باین‌حال، افغانستان بار دیگر مورد هجوم کشورهای منطقه و جهان قرار خواهد گرفت و جنگ در شهرها و مناطق دوردست شدت خواهد یافت. در حال حاضر، گزینه‌ی مناسب، نشست استانبول و توافق بر سر یک حکومت فراگیر و همه‌شمول است. نیروهای سیاسی افغانستان برای مذاکره

کلی ایران در حمایت از متحدین خود در منطقه و یا برنامه هسته‌ای این کشور ندارد. اسرائیل تلاش می‌کند با تحریک ایران زمینه را برای شروع جنگ با این کشور فراهم کند. اما شروع این جنگ باید از طرف ایران باشد و این امکان را به اسرائیل بدهد تا بتواند کشورهای قدرتمند دنیا را با خود همراه کرده و در ائتلافی با ایالات متحده کار ایران را تمام کند. چرا که اسرائیل به تنهایی توانایی رویارویی با ایران را ندارد. در صورت حمله یک جانبه اسرائیل به ایران، این کشور پیروزی‌اش بعید است.

از طرفی برای ایالات متحده اینک خاورمیانه اهمیت چندانی ندارد و اولویتش مهار چین است. به همین دلیل تلاش می‌کند هرچه سریعتر از عراق و افغانستان خارج شود. خروج نیروهای آمریکایی از منطقه یعنی دورتر شدن سایه تهدید از ایران و فراهم شدن فرصت بیشتر برای این کشور. به همین دلیل اسرائیل تلاش دارد تا جای ممکن آمریکا را در منطقه درگیر کند تا از این طریق منافع خود را در منطقه حفظ کند.

گزینه‌ی حداقلی اسرائیل این است که جلوی عادی‌شدن روابط بین ایران و آمریکا را بگیرد و در بخش حداکثری، زمینه حمله آمریکا به ایران را فراهم کند. اسرائیل به تنهایی توانایی درگیری نظامی با ایران را ندارد و به همین دلیل نیازمند حضور آمریکا در منطقه است.

و به موجب آن اختلال در صادرات نفت منطقه و نابودی سرمایه‌گذاری‌های بیچینگ در منطقه است. همین رویکرد چین را به یک شریک مسئول در صلح منطقه‌ای تبدیل می‌کند. اما این نشان‌دهنده تمایل چین به تقبل مسئولیت تأمین امنیت منطقه نیست. اتحادهای نظامی ابزار موردنظر چین در رقابت‌های جهانی با ایالات متحده نیستند.

چین همچنین مواظب بوده که درگیر منازعات دیرینه‌ی منطقه نشود. هرچند اخیراً چین پیشنهاد کرده است که مذاکرات مستقیم بین رهبران اسرائیل و فلسطین را میزبانی کند، اما نباید به این پیشنهاد خیلی بها داد. چین به خوبی می‌داند که فقط به‌دلیل هزینه مالی و جانی آمریکا بوده است که چین توانسته است نفوذ اقتصادی خود را در افغانستان و عراق گسترش دهد. خود چین علاقه‌مند این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نیست.

در نهایت بیچینگ می‌داند که منافع اقتصادی چین با دست‌نزدن به سیستم امنیتی تحت هدایت ایالات متحده‌ی مستقر در خاورمیانه، به بهترین نحو تأمین می‌شود. این برداشت تا حدی توضیح می‌دهد که چرا شرکای اصلی چین در خاورمیانه، بیشتر متحدان ایالات متحده هستند. چین با امضای سند مشارکت جامع استراتژیک با ایران یک استثنا قائل شد، اما این استثنا برخاسته از یک محاسبه اقتصادی بود: بیچینگ می‌خواهد تجارت دوجانبه خود را با ایران، که از زمان خروج آمریکا از برجام و بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۱۸ به شدت آسیب دیده است، احیا کند.

در حقیقت تنها پس از وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران بود که ایده مشارکت جامع استراتژیک مطرح شد. زمان‌بندی امضای این سند، درست وقتی که اداره بایدن سعی در مذاکره مجدد و احیای برجام دارد، یک تصمیم محاسبه‌شده از جانب بیچینگ برای تقویت موقعیت چانه‌زنی تهران بود، به این امید، که لغو تحریم‌ها را تسریع کند.

با این حال ایران برای همکاری خود با چین هزینه‌های زیادی پرداخت خواهد کرد. چین با انگشت‌گذاشتن روی مشقت‌های اقتصادی که ایران تجربه می‌کند، به دنبال دسترسی به نفت ایران با تخفیف چندبرابر است. در مراحل اولیه مذاکرات برخی از ایرانیان هشدار دادند که چین به دنبال یک معامله‌ی استثماری است، دقیقاً مانند توافقاتی که به چین امکان داد کنترل بندر «هامباتوتا»ی سریلانکا را بیاورد. حزب‌الله لبنان، عنصر نیابتی قدرت‌مند ایران، نیز باید نسبت به چین محتاط باشد. حزب‌الله لبنان به‌ویژه باید در تهدید خود علیه اسرائیل مبنی بر حمله موشکی بر بندر حیفا تجدیدنظر کند، زیرا چین تقریباً اکنون مالک آن بندر به‌حساب می‌آید.

در مورد ایالات متحده می‌توان گفت که برتری نظامی واشنگتن در خاورمیانه احتمالاً برای مدتی همچنان بلامنازع باقی می‌ماند، اما قدرت نظامی برای جلوگیری از رشد استراتژیک چین در منطقه (و فراتر از آن) کافی نخواهد بود. بنابراین ایالات متحده نیاز خواهد داشت تا نفوذ سیاسی، تعامل اقتصادی و نفوذ فرهنگی خود را نیز در خاورمیانه تقویت کند. در غیر این صورت، همان‌طور که بایدن هم در ماه فبروری گفت، چین «ناهار ما را خواهد خورد.»

شلمو بن عامی، وزیر خارجه سابق اسرائیل، معان «مرکز بین المللی تولدو برای صلح» و نویسنده کتاب «جراحات جنگ، زخم‌های صلح: تراژدی اسرائیل و عرب» است.

اولین بانک دیجیتال اسلامی جهان در امارات متحده عربی راهاندازی شد

ارائه خدمات بانکی شرعی آسان و در دسترس است. سامی المحمد، معاون مدیرعامل، در زمینه سازوکار این بانک دیجیتال گفت مشتری‌ها ظرف چند دقیقه از طریق کارت شناسایی عکس‌دار ثبت‌نام می‌کنند و یک کارت شناسایی مجازی برای کاربران صادر می‌شود که در انتقال اینترنتی پول به کار می‌رود.

دیجیتال بود. هدف این گروه تقویت جایگاهش به‌عنوان شرکتی پیشگام در حوزه فناوری دیجیتال و بلاکچین است. مرابی توضیح داد این بانک دیجیتال شرعی با بانک‌های اسلامی و موسسه‌های مالی همکاری و مشارکت دارد. هدف این بانک تأمین خواسته‌های مشتری‌ها، بررسی سبک زندگی و اولویت‌های آن‌ها و

سراسر جهان را پوشش خواهد داد. به گفته دکتر فهد المرابی، مدیرعامل گروه صندوق سرمایه زوریخ، این بانک دیجیتال سومین پروژه موفق این گروه در خاورمیانه، شمال آفریقا و اروپاست. اولین پروژه وسترن اکسچنج بود، یک صرافی دیجیتال شرعی که بخشی از مجموعه طرح‌های ابتکاری بسترهای

اطلاعات روز: گروه صندوق سرمایه زوریخ از راهاندازی یک بانک دیجیتال اسلامی خبر داد که تمام خدمات بانکی‌اش مطابق با شرع اسلام است. به گزارش ایران اینترنشنال، این اولین بانک دیجیتال شرعی جهان خواهد بود که از امارات متحده عربی آغاز به کار می‌کند و خاورمیانه، شمال آفریقا، اروپا و

مقامات نظامی و اطلاعاتی پیشین اسرائیل از بایدن خواستند به برجام بازنگردد

مذاکرات غیرمستقیم با ایران را آغاز کرده است. نخست وزیر و سایر مقامات اسرائیل آشکارا از تماس‌های امریکا با ایران ابراز ناخشنودی می‌کنند و حتی به امریکا تلویحا «هشدار» داده‌اند.

گزارش‌های متعدد رسانه‌های اسرائیلی و امریکایی، خرابکاری جدید هسته‌ای در سایت نطنز ایران در روز ۲۲ حمل را به اسرائیل نسبت داده و افزوده‌اند که یکی از اهداف آن، لطمه زدن به مذاکرات کنونی در وین بوده است. کابینه امنیتی - سیاسی اسرائیل روز ۲۹ حمل در نشست ویژه، عواقب بازگشت احتمالی امریکا به برجام برای اسرائیل را بررسی کرد.

اما رسانه‌های اسرائیل گزارش دادند که در نشست یادشده کابینه تصمیم خاصی در مورد اقدامات احتمالی آتی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران گرفته نشد.

فرانسه، بریتانیا و آلمان است. مقامات ارشد پیشین اسرائیلی تکرار کرده‌اند که «ایران آشکارا به دنبال نابودی اسرائیل» است.

گروه یادشده این را نیز گفته است که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تقابل با اقدامات ایران، «یک امر اساسی برای ممانعت از وقوع یک فاجعه است». آنها به نوع «فاجعه‌ای» که ممکن است رخ دهد، اشاره نکرده‌اند.

به نظر می‌رسد نامه جدید گروه «بیتخونیستیم»، تکرار نامه شش هفته پیش آنها باشد؛ این گروه در نامه پیشین اساسا خواهان خودداری امریکا از ورود به مسیر احیای برجام شده بود.

دولت جو بایدن اما با اعزام هیئت به مذاکراتی که در دو هفته اخیر در وین، پایتخت اتریش، در جریان بوده، از طریق گفت‌وگو با سایر کشورهای عضو برجام، نوعی



اطلاعات روز: گروه بزرگی از مقامات نظامی پیشین اسرائیل در نامه‌ای به جو بایدن، رئیس‌جمهوری امریکا، علیه احتمال بازگشت دولت واشینگتن به برجام، توافق هسته‌ای با ایران، موضع گرفته‌اند.

به نقل از رادیو فردا، سایت خبری «واشینگتن فری بیکن» گزارش داده است که «بیش از دو هزار تن» از بلندپایگان پیشین در تشکیلات نظامی، اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل، در این نامه نوشته‌اند که بازگشت امریکا به برجام، منافع اسرائیل و «متحدین عرب» را به خطر خواهد انداخت.

گروه اسرائیلی که در زبان عبری «بیتخونیستیم» («امنیتی‌ها») نامیده می‌شود، افزوده‌اند که دولت بایدن و شمار «معدودی» از کشورهای اروپایی در حالی برای احیای برجام تلاش می‌کنند که نگرانی کشورهای را که از سوی ایران تهدید می‌شوند، «نادیده می‌گیرند». اشاره آنها به

دبیرکل سازمان ملل:

بر لبه‌ی پرتگاه تغییرات اقلیمی ایستاده‌ایم

به‌منزله یک بحران برخورد نکنیم قادر نخواهیم بود هیچ تغییر عمده‌ای ایجاد کنیم.»

مسئولان «سازمان هواشناسی جهانی» احتمال آن را که دمای کره زمین تا سال ۲۰۲۴ به شکل میانگین ۱٫۵ درجه افزایش یابد را حدود ۲۰ درصد می‌دانند.

گزارش سالانه این سازمان به بررسی شاخصه‌های نظام آب‌وهوایی زمین از جمله افزایش دمای آب و خشکی، میزان بالا آمدن آب اقیانوس‌ها و ذوب یخ‌های قطبی اختصاص دارد.

را ویران کرده، میلیون‌ها نفر را بی‌خانمان ساخت. سخنان آقای گوترش روز دوشنبه در حالی مطرح شد که بناسنت نشست ویژه سران چند کشور صنعتی جهان با موضوع مقابله با تغییرات آب‌وهوایی، به‌پیشگامی جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده روز پنجشنبه آغاز شود. گرتا تونبرگ، کنشگر نوجوان سوئدی در کنفرانس سازمان جهانی بهداشت به همین مناسبت، نشست اقلیمی به میزبانی ایالات متحده را فرصتی برای «تغییر ذهنیت» برشمرد و اعلام کرد: «تا وقتی با این بحران

اختلال آب و هوایی فرا رسیده است.» سال گذشته یکی از سه سال گرم ثبت شده در تاریخ عصر پساصنعتی به‌شمار می‌رود و همین امر نگرانی درباره اوضاع آب‌وهوایی کره زمین و تأثیر آن بر زندگی جهانیان را بیشتر کرده است.

دبیرکل سازمان ملل بر این نکته انگشت نهاد که در سال گذشته میلادی اختلالات شدید آب‌وهوایی که بر اثر فعالیت انسانی ایجاد شده بر زندگی بسیاری از ساکنان زمین تأثیر مخرب گذاشته، زندگی‌های بسیاری

اطلاعات روز: دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کرد برای محافظت از مردم جهان در برابر تغییرات اقلیمی، سال ۲۰۲۱ باید «سال عمل» باشد و افزود: «بر لبه پرتگاه ایستاده‌ایم.»

به گزارش یورونیوز فارسی، آنتونیو گوترش که در نشستی خبری به مناسبت انتشار گزارش سالانه سازمان هواشناسی جهانی سخن می‌گفت همچنین تأکید کرد که: «امسال برای آینده بشریت سالی حیاتی است و گزارش اخیر نشان می‌دهد زمانی نمانده که تلف کنیم.»

پیش‌بینی افزایش آلودگی ناشی از دی‌اکسید کربن در جهان با خروج از بحران از کرونا

«امسال میزان آلودگی ناشی از کربن ۵/۱ میلیارد تن افزایش خواهد یافت؛ که دلیل آن افزایش استفاده از سوخت فسیلی در بخش‌های تولید انرژی است.»

سازمان بین‌المللی انرژی تخمین زده که آلودگی در سال ۲۰۲۱ میلادی در صورت افزایش تقاضا در بازار نفت و بازگشت به سطح تولید قبل از زمان همه‌گیری کووید، می‌تواند به بدتر شدن وضعیت هم دامن بزند.

این پیش‌بینی البته گفته است تا پایان سال جاری میلادی مصرف سوخت در صنعت هوایی هنوز ۲۰ درصد کمتر از سال ۲۰۱۹ میلادی باقی خواهد ماند.

در این گزارش البته نکات امیدوارکننده‌ای هم درباره مصرف منابع تجدیدشدنی انرژی به چشم می‌خورد؛ استفاده از منابع بادی، خورشیدی و سایر منابع پایدار انرژی در سال ۲۰۲۰ حدود ۳ درصد رشد داشت و در بخش تولید انرژی انتظار می‌رود امسال این مصرف ۸ درصد بالاتر برود.

بر اساس تخمین سازمان بین‌المللی انرژی، منابع پاک امسال مولد ۳۰ درصد برق در جهان خواهند بود؛ بیشترین میزان تولید در این زمینه از زمان آغاز انقلاب صنعتی در جهان.

قرار است طی روزهای آینده جو بایدن، رئیس‌جمهوری امریکا میزان اجلاسی در زمینه تغییرات اقلیمی باشد که ۴۰ رئیس‌جمهور و نخست وزیر از این کشورها هم در آن حاضر خواهند بود.

انتظار می‌رود امریکا در این اجلاس هدف خود را برای کاهش آلودگی تا سال ۲۰۳۰ میلادی اعلام کند.



شده آسیا سهم بالایی در این مصرف خواهد داشت و چین در این زمینه پیشتاز خواهد بود که احتمالا نیمی از افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی مربوط به این کشور خواهد شد.

انتظار می‌رود در امریکا و کشورهای اروپایی هم که برای مدتی به سوخت‌های فسیلی پشت کرده بودند، امسال با افزایش مصرف این منابع انرژی روبرو شوند؛ هر چند احتمالا میزان این مصرف کمتر از سال ۲۰۱۹ خواهد بود. افزایش مصرف سوخت‌های فسیلی امسال (۲۰۲۱) که سازمان بین‌المللی انرژی به آن اشاره کرده پیامدهایی هم برای مقابله با تغییرات اقلیمی خواهد داشت. فاتح بیروول، مدیرعامل سازمان بین‌المللی انرژی گفته:

روندی نیست.

تقاضای انرژی در کشورهای در حال توسعه در حال افزایش است؛ تخمین ارائه شده برای سال جاری میلادی در این کشورها ۴/۳ درصد است؛ برای کشورهای ثروتمندتر این رقم متفاوت است؛ تخمین زده شده که مصرف کلی انرژی در این کشورها ۳ درصد کمتر از سال ۲۰۱۹ میلادی باشد.

سوخت‌های فسیلی هنوز رکن مهمی برای کشورهایی که با تقاضای بالای انرژی روبرو هستند، محسوب می‌شوند. در سال ۲۰۲۰ میلادی، و همزمان با شروع همه‌گیری کرونا، مصرف کلی انرژی ۴ درصد کاهش یافت اما تخمین زده شده امسال این رقم ۵/۴ درصد افزایش یابد؛ گفته

اطلاعات روز: سازمان بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده که با خروج از همه‌گیری کووید-۱۹ و افزایش تولید انرژی در جهان، آلودگی ناشی از دی‌اکسید کربن در سال جاری میلادی (۲۰۲۱) بالا رود.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، بنابر تخمین این سازمان، البته میزان آلودگی برای تولید انرژی امسال در مقایسه با دو سال پیش (۲۰۱۹) تا حدی کمتر است؛ هر چند گفته شده تولید دی‌اکسید کربن امسال، از لحاظ میزان آلودگی، دومین رکود تاریخی خود را ثبت خواهد کرد.

این سازمان استفاده از سوخت‌های فسیلی در کشورهای آسیایی را از منابع اصلی این آلودگی برشمرد و گفته با افزایش ۵/۴ درصدی تقاضا، میزان آلودگی از این طریق به نزدیک رکورد تاریخی سال ۲۰۱۴ میلادی می‌رسد.

در این گزارش گفته شده استفاده از انرژی‌های تجدیدشدنی هم البته رو به افزایش است؛ و «منابع سبز» امسال حدود ۳۰ درصد برق را تولید خواهند کرد.

با خالی شدن جاده‌ها، خیابان‌ها و تعطیلی فرودگاه‌ها به دلیل همه‌گیری کرونا در جهان، تقاضای جهانی انرژی در جهان به شدت کاهش یافت که از زمان جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بود؛ این اتفاقات باعث شد به دلیل کاهش تقاضای سوخت‌های فسیلی و نفت، آلودگی ناشی از کربن در سال ۲۰۲۰ میلادی حدود ۶ درصد در جهان کاهش یابد.

بسیاری امیدوار بودند این تغییرات در الگوی مصرف انرژی بعد از خروج از همه‌گیری کرونا هم ادامه یابد؛ اما پیش‌بینی‌های اخیر سازمان بین‌المللی انرژی موید چنین

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیرمهریار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

از زیر سایه‌ی جنگ به دامن هاروارد

دختری مهاجری که از جنگ فرار کرد، چگونه دانشجوی هاروارد شد؟

هفت سالگی با شنیدن داستان نخستین بانوی فضاورد ایرانی به فضا و علم نجوم شروع و با تلاش راهش را برای ورود به دانشگاه هاروارد و رشته‌ی نجوم هموار کرد. پدر الهه می‌گوید: «الهه تگزاس را به دلیل شباهتش با مزارشریف دوست دارد. چون این ایالت نسبت به سایر مناطق امریکا کمتر بارانی است و بیشتر اوقات آسمانش صاف و آفتابی است.»

شش سال از مهاجرت الهه به امریکا می‌گذرد. اما ۱۲ فبروری امسال روز به‌یادماندنی برای خانواده الهه رقم خورد؛ درخواست تحصیل الهه توسط دانشگاه‌های ییل، کالیفرنیا، شیکاگو و هاوایی پذیرفته شد.

این خبر اندکی دیرتر به گوش خانواده رسید؛ اما وقتی خبر رسید کل خانواده سر از پا نمی‌شناخت: «وقتی شنیدم درخواست تحصیل مقطع ماستری و دکترای الهه توسط دانشگاه هاروارد پذیرفته شده حس می‌کردم دارم خواب می‌بینم. امریکایی‌های همکارم می‌گفتند که برای مردم بومی رسیدن به هاروارد تقریباً غیرممکن است، چطور چنین چیزی برای تو ممکن شده است؟»

خرچ و مصرف تحصیل در امریکا بالاست. میانگین مصارف در مقطع دکترا در دانشگاهی مثل هاروارد سالانه بیشتر از ۵۱ هزار دلار روی دست خانواده‌ها و دانشجویان می‌گذارد و نمره‌ای قبولی الهه در هاروارد آن قدر خوب بود که دانشگاه تصمیم گرفت ۱۸ هزار دلار به‌عنوان جایزه برای او در نظر بگیرد.

چند روز بعد الهه مدرک لیسانسش را از دو رشته فیزیک و نجوم از دانشگاه «آستن» تگزاس دریافت می‌کند و خزان امسال برای ورود به هاروارد آماده می‌شود. برای الهه که از دامن افغانستان جنگ‌زده فرار کرد، ورود به هاروارد فقط یک معنا دارد؛ او خوشبخت بود که مثل هزاران دختر دیگر در افغانستان این شب و روزها در ترس آمد آمد طالبان سپری نکند. اکنون الهه به‌جای جنگ و شلاق طالبان به نجوم و کاینات که مجموعه‌ای دوست‌داشتنی الهه است، فکر می‌کند: «از تمام آدم‌های که روی زمین است در کیهان بیشتر ستاره وجود دارد. من عاشق نجومم.»

خرچ و مصرف تحصیل در امریکا بالاست. میانگین مصارف در مقطع دکترا در دانشگاهی مثل هاروارد سالانه بیشتر از ۵۱ هزار دلار روی دست خانواده‌ها و دانشجویان می‌گذارد و نمره‌ای قبولی الهه در هاروارد آن قدر خوب بود که دانشگاه تصمیم گرفت ۱۸ هزار دلار به‌عنوان جایزه برای او در نظر بگیرد.

به قول الهه وقتی یافتن او با شرایط آن چنان سریع پیش رفت. هدف یک چیز بود: به‌دست‌آوردن سند دکترا در رشته فیزیک و نجوم. رشته‌ای که وقتی در افغانستان بود با مخالفت پدرش مواجه شد. سرور حسینی، پدر الهه می‌گوید وقتی از علاقه‌ی دخترش به نجوم باخبر شد به الهه پیشنهاد داد رشته‌ای را دنبال کند که با واقعیت‌های افغانستان سازگار باشد: «وقتی به امریکا آمدم به الهه گفتم حالا که در این جاییم هر رشته‌ی دوست داری بخوان.»

تلاش الهه بعد پنج سال نتیجه داد؛ نتیجه‌ای که خانواده‌اش را غافل گیر کرد: «خانواده‌ام علاوه بر حمایت، به من حق انتخاب دادند و تلاش کردند مستقل شوم.» ستاره‌های نورانی و آسمان اغلب صاف و آبی مزارشریف تداعی‌کننده‌ی روزهای خوش الهه از شهر مولاناست. روزهای که او بعد از صرف غذا از پنجره به آن خیره می‌شد و دلیلی شد که عاشق نجوم و ستارگان شود: «بیشتر از همه دل‌تنگ روزهای آفتابی مزار بودم. روزها و شب‌های که اغلب بی‌برق بودیم در گرما و سرما.»

پیش از آن که الهه دل‌باخته‌ی آسمان آفتابی مزارشریف شود و از آن طریق با دنیای نجوم و ستارگان آشنا شود داستان انوشه انصاری رابط او با دنیای ستارگان شد؛ عشق الهه در

پدیده خانواده‌هایی را به خاک سیاه می‌نشانند: «حدس می‌زدم الهه قربانی آدم‌ربایان شده، وقتی پیدایش کردیم مصمم شدم هرطور شده خانواده را از مخمصه‌ای که ممکن است گرفتارش شویم بیرون بکشم.» وقت سرور ناگزیر شد افغانستان را ترک کند در هرات شرکت ساختمانی داشت. خرچ روزگار خوب می‌چرخید، اما ناامنی چوب لای خرچ زندگی‌اش بود.

سرور درخواست ویزای ویژه‌ی مهاجرت به ایالات متحده داد. کاری که خانواده‌اش آن را رهاکردن تیری در تاریکی می‌دانست که معلوم نبود نتیجه‌ای به دنبال دارد یا نه. اما بخت با آن‌ها یار بود. الهه می‌گوید کوچیدن خانواده‌اش به امریکا او را هیجان‌زده کرده بود. اوایل سال ۲۰۱۵ خانواده حسینی کوله‌بار سفرشان را به مقصد سرزمین فرصت‌ها (ایالات متحده امریکا) بستند.

الهه خیلی زود خودش را در سرزمین فرصت‌ها پیدا کرد

مهاجرت از یک محیط بسته در اوان جوانی به سرزمینی که مردم آن را «سرزمین فرصت‌ها» می‌گویند سختی‌های خاص خود را دارد و یادداشتن زبان یکی از آن‌هاست. الهه تا صنف ۱۰ را در افغانستان آموزش دیده بود و در این مدت فقط ۱۰ ماه در آموزشگاه زبان انگلیسی شرکت بود: «انگلیسی را به خاطر فشار محیط سریع یاد گرفتم. همین که از مکتب رخصت می‌شدیم به کتاب‌خانه می‌رفتم تا ساعت شش آن‌جا بودم. از کتاب‌های که در تقویت زبان انگلیسی‌ام نقش داشت هزار خورشید تابان خالد حسینی بود.»

روزهای استرس‌بار الهه خیلی زود به پایان رسید. او در یک سال در کشور جدید زبانش را تقویت کرده و به سطح اکادمیک رساند؛ طوری که دیگر پروژه می‌گرفت و پژوهش می‌کرد تا خرچ تحصیل و فیس دانشگاهش را تأمین کند. پدرش می‌گوید تا هنوز یک سنت هم در قسمت تحصیل الهه مصرف نکرده و این او بوده که بار زندگی و تحصیلش را به دوش کشیده است.



هادی خوش‌نویس

به دانشگاه هاروارد در رشته‌ی فیزیک و نجوم است.

الگوی الهام‌بخش

الهه هفت ساله بود که با الگوی الهام‌بخش آشنا شد؛ انوشه انصاری بانوی فضاورد ایرانی. آن زمان بود که مسحور دنیای ستارگان و علاقه‌مند به تحصیل در این رشته شد. سرور حسینی پدر الهه بعد از آن که مطلع شد دخترش به هاروارد راه یافته، می‌گوید به بزرگ‌ترین آرزوی خود دست یافته است: «همیشه می‌خواستم دوست دانشمندی داشته باشم که سوالاتم در مورد فضا را ازش بپرسم و از راز کاینات برایم سخن بگوید. حالا چه بختی بلندتر از این که دانشمند جوانی در خانه دارم.»

سرور در هرات زندگی می‌کرد که تصمیم گرفت از افغانستان بیرون شود. روزهایی که تصمیم به مهاجرت گرفت در هرات آدم‌ربایی شهروندان را به ستوه آورده بود. سرور می‌گوید هرگز روزی را فراموش نمی‌کند که الهه دیرتر به خانه آمد. در آن روز الهه راه مکتب به خانه‌ی دوستش رفته بود. اما در خانه سرور در اندک زمانی قیامتی برپا شده بود. الهه خوش‌شانس بود که طعمه‌ی آدم‌ربایان نشده بود. درحالی‌که در همان شب و روزها این

ورود به دانشگاه هاروارد دشوار است. این را می‌شود از تعداد کسانی که سالانه از سراسر جهان به این دانشگاه درخواست تحصیل می‌دهند متوجه شد. از مجموع درخواست‌دهندگان، سالانه فقط پنج درصد موفق می‌شوند به هاروارد راه یابند. اما برای دختری مهاجری که از جنگ فرار کرده، ورود به هاروارد ممکن است قدری سخت‌تر باشد. الهه ۲۱ ساله روستا‌زاده‌ای از ولایت بلخ امسال در رقابت نفس‌گیر اجازه ورود به دانشگاه هاروارد را به‌دست آورد. او در رقابت با ۳۳۵ نفر بهترین نمره را برای قبولی در دانشگاه هاروارد به‌دست آورد. به‌شمول الهه فقط ۱۰ نفر موفق شدند به هاروارد راه یابند یعنی کمتر از سه درصد.

الهه این روزها آخرین سمستر مقطع لیسانس‌اش در بخش فیزیک و نجوم را در دانشگاه «آستن» تگزاس سپری می‌کند. دختر مهاجری که شش سال پیش به همراه خانواده‌ی هفت‌نفری‌اش به امید رهایی از سرزمین جنگ‌زده‌ی افغانستان کشور را ترک کرد. الهه می‌گوید او فقط هدف‌اش فرار از جنگ و ناامنی افغانستان بود و فکر نمی‌کرد روزی دانشجوی ماستری و دکترا در بهترین دانشگاه جهان شود. او حالا در آستانه‌ی ورود



دکترهنی، اوبولگولوواو مالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری



د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات ساختمانی

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/150/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه اعمار دیوار احاطه فارم تحقیقات مالداری ریشخور بطول ۹۴۰ متر، ترمیمات طویله های (بزها، گاوهای شیری، گوساله ها، سالون مرغداری) مالداری و اعمار اتاق محافظین واقع فارم تحقیقات مالداری ریشخور ولایت کابل اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) و یا در سی دی (CD) بطور رایگان از امریت تدارکات امور ساختمانی ویا از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۲۱ ثور ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکات ارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی (۶۵۰,۰۰۰) شش صد و پنجاه هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاريخ معینه ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.



دکترهنی، اوبولگولوواو مالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری



د افغانستان اسلامی جمهوری دولت
دولت جمهوری اسلامی افغانستان

معینیت مالی و اداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات ساختمانی
مدیریت عمومی تدارکات ساختمانی

«دعوت به داوطلبی روش باز داخلی»

شماره دعوت به داوطلبی MAIL/PD/NCB/W/85/1400

ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه سربیزی، سیستم برق، ساحه تفریحی بازدید کننده ها، امور اعمار سرک های فرعی و پیاده روها و دیگر فعالیت ها ساحه نمایشگاه زراعتی واقع بادام باغ ولایت کابل اشتراک نموده شرطنامه مربوطه را در فلش دسک (حافظه) و یا در سی دی (CD) بطور رایگان از امریت تدارکات امور ساختمانی ویا از وب سایت اداره تدارکات ملی (www.npa.gov.af) بدست آورده، آفر های خویش را مطابق شرایط مندرج شرطنامه و طبق قانون و طرزالعمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ۲۲ ثور ۱۴۰۰ ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر به تعمیر عقب منابع بشری اطاق جلسات ریاست تهیه و تدارکات ارایه نمایند، آفر های ناوقت رسیده و انترنتی قابل پذیرش نمیباشد.

تضمین آفر بصورت تضمین خط بانکی (۲۶۰,۰۰۰) دوصد و شصت هزار افغانی بوده و جلسه آفرگشائی بتاريخ معینه ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر در اطاق جلسات آفرگشائی ریاست تهیه تدارکات تدویر میگردد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکت‌ها		قیمت: ۲۰ افغانی
6 Months	120\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	شش ماهه	
Annual	200\$ USD	۷۰۰۰ افغانی	یک ساله	

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



حسین علی کریمی

استیون پینکر، روانشناس کانادایی - امریکایی، استاد برجسته دانشگاه هاروارد و مؤلف کتاب‌هایی مانند «فرشتگان نیکوتر سرشت ما»، «لوح سفید»، «غریزه زبان» و ... در کتاب «فرشتگان نیکوتر سرشت ما: تاریخی از خشونت و انسانیت» استدلال می‌کند که در طول قرن بیستم، جهان شاهد قساوت‌ها و نسل‌کشی‌های بسیاری بوده است. به‌عنوان مثال او به نسل‌کشی در دارفور، عراق و جنایت‌های هیتلر و استالین اشاره می‌کند. به اعتقاد او تمامی این جنایات منجر به درکی همگانی از شرایطی شده است که مدرنیته با خود خشونت و وحشتناک را به همراه داشته است. او با ارائه چنین تصویری این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ما با دور شدن از زندگی انسان‌های اولیه، دچار افزایش خشونت در جهان شده‌ایم؟ او استدلال می‌کند که این درک اشتباه است. به باور پینکر گذشته‌گان و نیاکان ما بسیار خشن‌تر از ما بوده‌اند و خشونت برای مدت زمان طولانی در حال کاهش بوده است. و امروز احتمالاً ما در صلح‌آمیزترین دورانی زندگی می‌کنیم که گونه‌ی بشر تاکنون تجربه کرده است.

«افول خشونت» محور اصلی بحث او در کتاب «فرشتگان نیکوتر سرشت ما» تاریخی از خشونت و انسانیت است. او بر این باور است که ما نه به‌صورت یک‌دست اما به‌طور کلی شاهد کاهش خشونت در جهان بوده‌ایم. به‌عنوان مثال او به بخش‌هایی از کتاب مقدس اشاره می‌کند که در آن آمده است «و آن‌ها علیه مدین‌ها جنگیدند. همان‌طور که پروردگار به موسا امر کرده بود و تمام مردها را از دم تیغ گذراندند. موسا به آن‌ها گفت: آیا زنان را زنده نگه داشته‌اید؟ پس حالا تمام مردان را بکشید. از جمله پسر بچه‌ها و تمام زنانی را که باکره نیستند. دختران باکره را برای خود نگه دارید». این نگرش به مجازات و خوانش از متن مقدس، ممکن است تا دوران سلطه کلیسا بر بشر، بوده باشد اما اکنون، تفکر تجاوز به بازماندگان یک جنگ، نوعی جنایت جنگی شمرده می‌شود و قوانین و عوامل بازدارنده‌ی بسیاری برای جلوگیری از آن به‌وجود آمده است.

پینکر استدلال می‌کند که اگرچه ما به آمار دقیق جنگ‌ها از قرون وسطی تاکنون دسترسی نداریم اما شواهد کافی برای این‌که بدانیم خشونت پذیرفته‌شده در جوامع، کاهش یافته است، وجود دارد. به‌عنوان مثال او می‌گوید در تاریخ جوامع «مثله‌کردن»، «شکنجه» و «اعدام» شکل عادی مجازات جنایت‌کاران بوده است. همچنین تخلفاتی که امروزه مجازات آن‌ها یک جریمه نقدی است در گذشته باعث می‌شده که زبان یا گوش‌تان را ببرند، دست‌تان را قطع و چشم‌تان را کورتان کنند. او می‌افزاید روش‌های سادیستی متنوعی برای مجازات در گذشته مانند سوزاندن روی تیر چوبی، خالی کردن دل و روده، شکستن بدن روی چرخ، کشاندن بدن از دو سوی توسط اسب و ... وجود داشته که اکنون منسوخ شده است.

این واقعیت که نیاکان ما با خشونت زیسته‌اند، درست است. لذت این خشونت‌خواهی را می‌توان در شاهکار «ریدلی اسکات» و در فیلم «گلا دیاتور» بخوبی مشاهده کرد. اینکه چگونه گلا دیاتورها برای سرگرمی تماشاگران و شاه و نزدیکانش، یک‌به‌یک به بدترین شکل ممکن به قتل می‌رسیدند و

نسبت جامعه‌ی ما با اعمال خشونت



سنت‌های قبیله‌ای و ارزش‌های قومی به‌جای مکانیزم‌های شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در افغانستان عمل می‌کنند. این موضوع را می‌توان به‌خوبی در انتخابات‌های برگزار شده و رأی‌هایی که مردم به صندوق‌ها انداختند مشاهده کرد. این موضوع موجب شد که ما انتخاباتی قومیت‌زده را تجربه کنیم.

تبعیض از جمله مهم‌ترین ساختارهای خشونت است که در طول تاریخ معاصر افغانستان به‌عنوان منبع مهم تولید خشونت عمل کرده است. تبعیض همواره به شکل‌های گوناگون از جمله تبعیض قومی، زبانی، جنسی و ... از مردم افغانستان قربانی گرفته است. هزاره‌ها و سایر گروه‌های در حاشیه، مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی‌ای بوده‌اند که در طول تاریخ معاصر افغانستان مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. با وجود آن‌که پس از توافق‌نامه بُن انتظار می‌رفت این شکل از تبعیض در جامعه کم‌رنگ‌تر شود اما به‌دلیل تمامیت‌خواهی و عملکرد پنهان ساختارهای تبعیض، هیچ‌گاه این رؤیا محقق نشد. اکنون پس از گذشت دو دهه از توافق‌نامه بُن، هزاره‌ها و گروه‌های ستم‌دیده سهم اندکی در ساختارهای تصمیم‌گیری، مناسبات قدرت و دولت دارند. همچنین سهم آن‌ها از منابع و خدمات در مقایسه با سایر گروه‌های اجتماعی ناچیز است. آن‌ها به‌صورت وصف‌ناشدنی در یک وضعیت نابرابر زیست می‌کنند. تداوم این وضعیت نابرابر، حداقل‌ترین عکس‌العملی که ایجاد می‌کند، ناراضی‌تبی از سیستم و حکومت است.

تمامیت‌خواهی و قدرت‌طلبی

قدرت‌طلبی و دستیابی به آن بستر همه خشونت‌های جاری در افغانستان است. مناسبات قدرت در افغانستان همواره نامتوازن بوده است. اساسی‌ترین نمود تبعیض را می‌توان در مناسبات قدرت و لایه‌های پنهان آن دید. عامل بسیاری از خشونت‌های جاری در افغانستان نبود توازن در ساختار قدرت است. تاریخ معاصر افغانستان نشان می‌دهد که مسأله‌ی قدرت و مکانیزم‌های آن همواره مناقشه‌برانگیز و چالش‌زا بوده است. تاریخ معاصر افغانستان پر است از اعمال خشونت و حذف. خشونتی که مهم‌ترین عامل آن دستیابی به قدرت بوده است. امر قدرت تعیین‌کننده‌ی بسیاری از مناسبات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. افغان‌ها هیچ‌گاه نتوانستند مکانیزمی تعریف کنند که در آن قدرت عادلانه توزیع شود. از همین روست که الگوها و سیستم‌های مختلفی از حکومت‌داری در

آن طرح مسأله کرد. همچنین می‌توان ریشه‌ها و عوامل خشونت را به سیاسی، تاریخی، اجتماعی، ساختاری، فرهنگی و ... برای بررسی بیشتر دسته‌بندی کرد. اما به نظر من، آنچه مهم به نظر می‌رسد این مسأله است که اعمال خشونت در جامعه‌ی ما به امری عادی تبدیل شده است. در واقع ابزاری برای تعمیق سیاست‌ها و باورها و تحمیل خواسته‌ها به دیگری شده است. به‌عنوان مثال، طالب به‌جای گفت‌وگو با استفاده از خشونت و کشتار، خواسته‌اش را بیان می‌کند و استفاده‌ی هرچه بیشتر از آن را در تحمیل خواسته‌های مهم می‌داند. به‌نظر می‌رسد استفاده از خشونت و اشکال مختلف آن، قباحت و زشتی خود را از دست داده است. به این معنی که ما درک درستی از مفهوم خشونت و صورت‌های مختلف آن نداریم. شاید مهم‌ترین عامل آن در جامعه‌ی ما این باشد که به‌دلیل تکرار فجایع، از خشونت در طول تاریخ معاصر ما معناداری شده است. عادی‌شدن خشونت و حساسیت نشان‌دادن به آن مسأله‌ای است خطرناک‌تر از خود خشونت. چرا که روح و روان جمعی ما در طول زمان دچار آسیب و بی‌خاصیتی می‌شود.

تبعیض

درباره‌ی تبعیض و عوامل آن زیاد نوشته شده است. اما همچنان من معتقدم باید باربار نوشت و درباره‌ی آن سخن گفت.

افغانستان تجربه شده است. به این دلیل که در برهه‌ای از تاریخ این طور تصور شده که سیستم مذکور راه‌حل پایان‌دادن به منازعه است. درحالی‌که همچنان نگرش‌ها و رفتارهای معطوف به قدرت‌طلبی و تمامیت‌خواهی و حذف دیگری بوده است. عالم دینی ما (مجیب‌الرحمان انصاری) بر این باور است که حضور حداقلی هزاره‌ها در ساختار حکومت و پارلمان عامل آنارشیسم و منازعه در کشور است. با این حجم از دیگرستیزی و نفرت چگونه می‌توان به جامعه‌ای صلح‌آمیز دست یافت؟

قومیت‌گرایی

این مسأله که ما هنوز در مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود از انگاره‌های قومی عبور نکرده‌ایم واقعیتی انکارناپذیر است. سنت‌های قبیله‌ای و ارزش‌های قومی به‌جای مکانیزم‌های شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی در افغانستان عمل می‌کند. این موضوع را می‌توان به‌خوبی در انتخابات‌های برگزار شده و رأی‌هایی که مردم به صندوق‌ها انداختند مشاهده کرد. این موضوع موجب شد که ما انتخاباتی قومیت‌زده را تجربه کنیم. عامل قومیت همواره در تعیین مناسبات سیاسی و قدرت جایگاه مهمی داشته است. در طول دو دهه‌ی گذشته با به‌وجود آمدن سازوکارهای مدرن مانند انتخابات و دولت، انتظار می‌رفت که جایگاه و اهمیت خرده‌فرهنگ‌هایی نظیر قومیت با چالش روبه‌رو شود. به‌دلیل تمرکزگرایی و تمامیت‌خواهی نخبگان سیاسی، تعارضات قومی نقش مهمی در بی‌ثباتی و به‌وجود آمدن بحران‌های سیاسی در کشور داشته است. اوج این تعارضات را می‌توان در تجربه‌ی حکومت وحدت ملی مشاهده کرد. در هر صورت بحران قومیت‌گرایی و ارزش‌های آن همچنان یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تولید خشونت در کشور است که به‌صورت لاینحل باقی مانده است.

سایر عوامل خشونت

به لیست بالا می‌توان ده‌ها مورد دیگر نظیر «فرهنگ، شکل‌نگرفتن دولت - ملت، بحران هویت و ...» را افزود. مواردی که همواره ساحات زندگی روزمره‌ی ما را متأثر می‌سازند. با وجود این ما همچنان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت عمل می‌کنیم. اینک دوباره افغان‌ها در شرایط حساسی از تاریخ خود قرار گرفته‌اند. خروج نیروهای امریکایی و هم‌پیمانان آن‌ها از افغانستان، گفت‌وگوهای صلح، تغییر نظام، قانون اساسی و ... وحشت و نگرانی مضاعفی را در دل مردم افغانستان ایجاد کرده است. وحشت آن‌ها از تکرار خشونت و بازگشت به آنارشیسم دهه‌های گذشته است. وحشتی که به‌نظر می‌رسد ریشه در ساختارهای انبوه تولید خشونت در جامعه دارد. هنوز بسیاری از مسائل و موضوعات در جامعه‌ی ما حل‌نشده باقی مانده است. ما برای هیچ‌یک از چالش‌ها و مشکلات جامعه‌مان پاسخ قابل‌قبول و راه‌حلی ن داده‌ایم. بدتر این‌که آن‌ها را نادیده می‌گیریم. ما باید قبول کنیم که بسیاری از ساحات اجتماعی و سیاسی ما دچار مشکل و نیازمند بازاندیشی است. ما بنای صلح، امنیت، آرامش و دموکراسی‌مان را بروی انبوهی از عوامل خشونت‌زا قرار داده‌ایم و همچنان اصرار داریم دوباره آن را تکرار کنیم. به دوحه، مسکو، پاکستان و استانبول می‌رویم در حالی بسترهای تولید خشونت به‌صورت انبوه، همچنان به قوت خود باقی است.